



نشر مرندیز

# گناہاد پیرتاریخ

به روایت شادروان دکتر عباس زمانی



به کوشش ناصر زمانی

۱۶

# GONABAD PEER-E-TARIKH

NARRITOR:

ZAMANI ABBASS, Ph.D.

BY THE EFFORTS OS ZAMANI NASSER



نشر مرندیز

ISBN: 964-90033-2-0 ۹۶۴-۹۰۰۳۳-۲-۰ : شابک

۲۳۳

---

# گناباد، پیر تاریخ

به روایت شادروان، دکتر عباس زمانی  
به کوشش ناصر زمانی



نشر مرنديجا

۲۰۰ تومان



نشر مرنديز

نام کتاب: گناباد، پير تاريخ  
به روايت: مرحوم دكتور عباس زماني  
به كوشش: ناصر زماني  
حروفچيني: مرنديز  
ليتوگرافي: حميد  
چاپ: گوتمبرگ  
تيراز: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۷۳  
كليه حقوق براي ناشر محفوظ است  
ناشر: نشر مرنديز  
گناباد، صندوق پستي ۴۴

## فهرست مطالب

### سر سخن

۱	مقدمه
	آشنایی با محقق ۱
	پاره‌ای از تألیفات شادروان دکتر عباس زمانی ۳
	مقالات و سخنرانیها ۳
	آشنایی با شهرستان گناباد ۳
	وجه تسمیه ۶
	پیدایش گناباد ۸
۹	نظری بر داستانهای شاهنامه از دیدگاه فردوسی شناسان
۱۱	۱ قلعه فرود گناباد
	الف) موقعیت ۱۹
	ب) آثار ۲۱
	آسیای تک‌زو ۲۱
	غارهای قلعه زیر قلعه ۲۲
۲۶	۲ سه اثر تاریخی در زبید گناباد
	۱- قلعه زبید ۳۰
	۲- قلعه شاه‌نشین ۳۲

۳- درب صوفه و قبر پیران ویسه ۳۴

دلایل تاریخی ۳۶

۱- اشعار شاهنامه ۳۶

۲- شایعات و اخبار محلی ۳۸

۳- آثار مشهود ۳۹

برداشت کلی ۴۰

۴۳

۳ دو اثر تاریخی در پسکوت گناباد

شهر باستانی پشن ۴۳

مزار بیمرغ ۴۹

رابطه بنا با بناهای قبل و بعد از آن ۵۴

۵۹

۴ قلعه دختر، شوراب گناباد

موقعیت و نقشه تقریبی ۶۰

برآمدگی شرقی ۶۰

برآمدگی شمالی ۶۱

برآمدگی غربی ۶۲

طرح بنا و مصالح آن ۶۳

دلایل تاریخی ۶۴

۶۹

۵ مقبره جفتین در گیسور گناباد

مقبره جفتین ۷۰

الف) نقشه بنا ۷۱

ب) شیوه بنا ۷۱

ج) مصالح و تزئینات ۷۴

از نظر نقشه ۷۴

از نظر شیوه ساختمان و مصالح ۷۶

ه) رابطه بنا با بناهای قبا ۱۰۰۰: آن ۷۷

## ۶ قلعه دختر، مزار بجستان گناباد

قلعه دختر ۸۶

موقعیت تقریبی ۸۶

قسمت شمال شرقی ۸۷

قسمت شمال غربی ۸۸

قسمت جنوبی ۸۹

قسمت مرکزی ۸۹

حلقه خارجی ۸۹

حلقه وسطی ۹۱

حلقه و یا قسمت مرکزی ۹۱

مصالح ۹۲

زمان تاسیس و دلایل تاریخی ۹۳

نتیجه ۹۷

## ۷ مزار سلطان محمد عابد(ع)، کاخک گناباد

تاریخ مقبره ۱۰۱

الف) نقشه مقبره ۱۰۲

ب) فرم مقبره ۱۰۳

ج) مصالح و تزئینات مقبره ۱۰۴

د) رابطه مقبره با بناهای قبل و بعد از خود ۱۰۶

## ۸ مسجد جامع گناباد

مسجد جامع ۱۱۲

الف) از نظر پلان ۱۱۳

ب) از نظر فرم ۱۱۳

ج) از نظر تزئینات ۱۱۴

خاتمه





---

## سرسخن

« از خدا جوییم توفیق ادب »

مجموعه‌ای که مطالعه خواهید فرمود حاصل تلاش چندین ساله شادروان دکتر عباس زمانی است که با عشق وافر به زادگاهش گناباد در جهت معرفی این شهرستان قدمت تاریخی آن و معرفی نقاط تاریخی این شهر فراهم آمده، افسوس که اجل امان زندگیش را گرفت.

حال که بیش از بیست سال و چند ماه از درگذشت ایشان می‌گذرد این امکان میسر شد تا با چاپ مجموعه حاضر به صورت یک کتاب واحد یادی از این عزیز داشته باشیم.

قبل از مطالعه کتاب توجه به چند نکته ضروری است :

- ۱- سعی شده در بازنویسی نهایت امانت رعایت گردد.
- ۲- مقدمه کتاب ( آشنایی با محقق و آشنایی با شهرستان گناباد) بر متن افزوده گردیده است.

۲- قبل از داستان قلعه فرود گناباد، نظر چند تن از محققان و فردوسی شناسان در مورد داستانهای شاهنامه انتخاب گردیده است.

۳- در قسمت اول ( قلعه فرود گناباد ) متنی از کتاب زندگی و مرگ پهلوانان بر

## گناباد، پیر تاریخ

اصل تحقیق افزوده گردیده که در جای خود توضیح داده شده است.

۴- در مورد مسجد جامع گناباد با توجه به اینکه اصل تحقیق در دسترس نبود از کتاب «تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی»، تنها کتاب به چاپ رسیده محقق استفاده گردید و در جهت آشنایی خوانندگان با این کتاب چند سطر از فصل اول، قبل از متن اصلی آمده است.

از سرکار خانم فخرایران مطلبی، همسر شادروان دکتر عباس زمانی که نهایت همکاری را در فراهم آوردن و تنظیم مطالب نموده‌اند صمیمانه تشکر می‌شود.

با چند بیت از بزرگ ادب پارسی، فردوسی توسی سخن را کوتاه می‌کنیم:

زمین گر گشاده کند راز خویش  
نماید سرانجام و آغاز خویش  
کنارش پراز تاجداران بود  
پرش پر زخون سواران بود  
پراز مرد دانا بود دامنش  
پراز خوب رخ جیب پیراهنش  
به نیکی به باید تن آراستن  
که نیکی نشاید زکس خواستن

(ناصر زمانی، آذرماه ۱۳۷۱، گناباد)

---

## مقدمه

---

### آشنایی با محقق:

---

دکتر عباس زمانی به سال ۱۲۹۷ در خانواده‌ای متوسط در گناباد متولد شد. روزگار کودکی را همانند دیگر کودکان سپری کرد و چون کیف و کتاب به دست گرفت و روانه مدرسه شد، آن عشقی پر شور که در خانواده او موروثی می نمود در وجود او بیدار شد، عشق به دانش و فرهنگ ...



او در کلاس همیشه جزو شاگردان برجسته و ممتاز بود. حتی می توان گفت: از ممتازترین شاگردان کلاس بود. گواهینامه ششم ابتدایی را در گناباد گرفت و از آنجا که عشق و علاقه به فرهنگ در نهادش بود در سال ۱۳۱۵ با تصدیق ششم ابتدایی در اداره «معارف» آن زمان (آموزش و پرورش) مشغول کار شد. خود بسیار جوان بود که نوجوانان همشهری اش را درس می آموخت. تا سال ۱۳۲۳ به تدریس پرداخت و در این زمان به ریاست کارگزینی اداره فرهنگ سابق گناباد منصوب و مشغول کار شد، ضمناً تدریس را همچنان ادامه

می داد، هفته ای چند ساعت ریاضیات سالهای اول و دوم و تاریخ ادبیات سیکل دوم دبیرستان را تدریس می کرد.

در سال ۱۳۳۳ به مشهد آمد و موفق به گرفتن دیپلم ادبی شد. یک سال بعد (۱۳۳۴) در کنکور دانشگاه در رشته حقوق شرکت کرد و به دانشگاه راه یافت، لیکن یک سال بیشتر حقوق نخواند و سال بعد رشته اش را عوض کرد و به دانشکده ادبیات رفت و چهار سال بعد در سال ۱۳۳۹ تحصیل را با اخذ رتبه اول دانشکده در رشته ادبیات به پایان رساند.

... از طرف دولت یک بورس چهار ساله در اختیارش قرار گرفت و به فرانسه رفت و با استعداد شگرف و پشتکار دوره چهار ساله دکترا را در مدت دو سال و نیم گذراند و به ایران بازگشت.

پس از بازگشت به ایران در دانشکده های الهیات، ادبیات، هنرهای زیبا و هنرهای دراماتیک به تدریس پرداخت و تا پایان عمر همچنان به کار تدریس ادامه داد.

... او گنجینه گرانبهایی از دانش و فرهنگ بود. مقالات علمی و تحقیقی بسیار نوشت، بیشتر مقالات علمی و تحقیقی او در مجله «هنر و مردم» به چاپ رسیده و کتابهای او نیز از طرف وزارت فرهنگ و هنر و دانشگاه چاپ و منتشر شده است. ایشان در روز بیست و هشتم تیرماه ۱۳۵۲ در یک حادثه فجیع رانندگی در راه تهران - مشهد به سختی مجروح و مصدوم شده و هفت شبانروز نیمه جان بر تخت بیمارستان با مرگ ستیزه کرد. پزشکان نیز برای رهائی اش از چنگال سیاه مرگ، تلاش بسیار کردند، لیکن هر ستیز و تلاش بیهوده و عبث بود، دست بیرحم اجل نقطه پایان بر آخرین ورق دفتر زندگی اش نهاد و مرگ پیروز شد.

یادش گرامی باد.

## پاره ای از تألیفات شادروان دکتر عباس زمانی :

- الهیات و معارف اسلامی
- سیر تحول معماری ایران از آغاز تا پایان دوره سلجوقی
- پیوندهای تاریخی تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر صفوی
- گوشوار و گوشوار تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران
- قدمت و تمدن نه هزار ساله دشت قزوین

## مقالات و سخنرانیها:

- قلعه دختر، «شوراب» گناباد
- هنر سفال سازی در «مند» گناباد
- قلعه فرود گناباد
- سه اثر تاریخی در «زبید» گناباد
- قلعه دختر، «مزار» بجزستان

## آشنایی با شهرستان گناباد

---

گناباد یکی از شهرهای جنوب خراسان است، این شهرستان از شمال شرقی به تربت حیدریه، از شمال غربی به کاشمر، از جنوب شرقی به قاینات و از جنوب غربی به فردوس محدود است.<sup>(۱)</sup>

مرکز این شهرستان نیز گناباد نامیده می شود و در سیصد کیلومتری مشهد واقع است و تا تهران ۱۲۰۰ کیلو متر فاصله دارد.

---

۱- علی اکبر دهنخدا، لغت نامه، شماره ۷۷، آبان ۱۳۴۱، ص ۴۲۵

طول این شهر ۵۸ درجه و ۲۰ دقیقه و عرض آن ۳۵ درجه و ۴۱ ثانیه و ارتفاعش ۱۱۰۰ متر است.<sup>(۱)</sup>

این شهر در تقاطع جاده‌های شرقی و مرکزی ایران یعنی جاده مشهد-زاهدان و نیز یزد-زاهدان واقع و قدمت آن به دوره هخامنشی می‌رسد.

اکثر جغرافی دانان و جهانگردان قرون اولیه اسلامی از گناباد و نام آن صحبت کرده‌اند لسترنج (*G.lestrange*) مستشرق انگلیسی (۱۹۳۳-۱۸۵۴ میلادی) مؤلف کتاب جغرافیایی تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، خلاصه‌ای از آن بیان کرده است:

گناباد شهر بزرگی است در شمال خاوری تون که «ابن حوقل» آن را «نیابد» و مقدسی «جناور» نامیده‌اند و به اشکال دیگر هم خوانده شد.

ساختمانهای این شهر در قرن چهارم از گیل بود، هفتاد دهکده داشت و آبش از کاریز حاصل می‌شد.

یاقوت گوید:

آن را «گنابد» گویند به جای جنابد.

حمدالله مستوفی گوید:

«جنابد» در تلفظ «گناباد» گویند شهری کوچک است بهتر از خور. چند موضع، توابع دارد، واو را قلعه‌ای است که پسر گودرز ساخته است و حصاری محکم دارد چنانکه از بالای آن تل ریگ تا غایت دیه‌ها و ولایتها، مجموع در نظر باشد، اما هرگز آن ریگ در باغات نمی‌آید و آبش از کاریز است و چهار فرسنگ درازای کاریز است و چاه آن تخمیناً هفتصد گز، باشد و بیشتر کاریزها همچین عمیق باشد.<sup>\*\*</sup> و کاریزها از طرف جنوب به شمال می‌رود و قلعه‌ای بر دو طرف

۱- راهنمای ایران، نشریه دایره جغرافیایی کشور ۱۳۴۸، استان خراسان.

\*- در مورد چگونگی تأمین آب مورد نیاز گناباد در گذشته و حال رجوع کنید به حسین پورابراهیم،

جغرافیای گناباد، نشر مرنديز، گناباد، ۱۳۷۱، اول، صفحه ۱۳۹

آن است یکی را قلعه خواهید گویند و دیگری را قلعه درجان. حاصلش غله و میوه و ابریشم نیکو فراوان باشد.<sup>(۱)</sup>

گناباد در دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان، هم آباد و دارای اهمیت بوده است و یکی از سه مسجد دودیوانی خراسان در آن ساخته شده و در واقع شهر در ردیف شهر، زوزن، مقر ملک زوزن و فریومدکرسی ولایت جوین قرار داشته است.<sup>(۲)</sup>

گناباد در دوره تیموریان نیز اهمیت داشت و بر طبق نوشته نورالدین لطف‌الله، مشهور به حافظ ابرو، حکام ایالت قهستان (کوهستان) در آن می‌نشستند.<sup>(۳)</sup> در همین دوره است که دومین مسجد دویونی این شهرستان در قصبه بجستان ساخته شد.

گناباد در دوره صفویه نیز از نظر دور نمانده است و وجود بناهایی چون: امامزاده سلطان محمد عابد(ع) کاخک و مسجد جامع جدید گناباد و بعضی از آب انبارها و کاروانسراهای شاه عباسی موید این مطلب است. گناباد در قبل از اسلام معبر داخلی فلات ایران و قسمتهای شرقی آن محل برخورد میدان جنگ لشکریان ایران و توران بوده است که جنگ یازده رخ در آن اتفاق افتاده است.<sup>(۴)</sup> میدان دیگر، دشت پشن است که در شاهنامه فردوسی نام برده شده و جنگ پیران ویسه و توس نوذر در آن اتفاق افتاده است و آن را جنگ لادن و همایون نیز گفته‌اند. این شعر فردوسی درباره همین محل است:

۱- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران ۱۳۳۷،

صفحه ۳۸۴

۲- لسترنج، همان کتاب، صفحه ۳۸۳ و ۴۱۷، نقشه شماره ۸

۳- سلطان حسین تابنده، تاریخ و جغرافی گناباد، چاپ دانشگاه، مهر ۱۳۴۸، صفحه ۹

۴- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۹

### بلادن که آمد سپاه گشن

شیخون زیران به جنگ پشن (۱)

با توجه به مراتب فوق یک معبر اصلی و جنگی از داخل فلات وسیله تنگل‌های\* کلات و زبید، واقع در حدود ۳۰ کیلو متری جنوب غربی گناباد که از طریق مرکز آن به دشت پشن واقع در ۴۰ کیلو متری شمال شرقی آن می‌پیوسته و از آنجا از طریق گیسور به قسمتهای شرقی ادامه داشته است، قسمت بالای این راه هم اکنون جاده آسفالت‌ای است که گناباد را به فردوس مربوط می‌کند.

در کنار این معبر آثار تاریخی وجود دارد که اشعار شاهنامه و اقوال مورخان را تایید می‌کند، در مشرق تنگل کلات و نزدیک جاده گناباد - فردوس خرابه‌های «ارگ فرود» منسوب به فرود، شاهزاده کیانی و در دشت پشن، تپه‌ها و سفالهای منسوب به هزاره سوم پیش از میلاد به چشم می‌خورد.

### وجه تسمیه

لفظ گناباد در لغت با اختلاف ذکر شده و نیز اختلاف دارند که مفرد است یا مرکب، در برهان جامع فصل «نون» و بعد از «کاف» عربی می‌نویسد:

کنابد، چون سر آمد نام جایی است در خراسان، نزدیک آن کوهی است که جنگ یازده رخ در آن واقع شده است.

در فرهنگ نوپهار:

اشاره به قریه ولویی (دلویی) و سمویی (ثمویی) و درخت نارون آن که به طول بالای هشتاد ذراع بوده کرده است:

۱- ایضاً صفحه ۱۶۸.

\* - دره بیر دو کوه (در حال حاضر مصطلح می‌باشد)



هر کس که ندیده کشمیری سرو  
گو نارون گنابدی بین

در بحیره :

در باب وجه تسمیه شهر گناباد، با «گاف» فارسی و «واو» نوشته و گوید:  
گوناباد، او را جنابد گفته اند و «گنابد» نیز قول صحیح آنکه «گیوآباد» است یعنی گیوآباد  
کرده و بعضی «جنآباد» گفته اند.

صاحب شاهنامه چنین آورده:

نگفتم مرو بر کرات جرم  
مزن بر کرات جنابد قدم

در کتاب نزهة القلوب :

جنابد در تلفظ گناباد ...

... و او را قلعه ایست که پسر گودرز ساخته و حصارى محکم دارد.

و در هفت اقلیم تألیف امین احمد رازی می نویسد:

جنابد که بعضی به جنابد و برخی «گوناباد» اعتبار کرده اند از ابنیه پسر گودرز است و ...  
در سایر کتابها از جمله : مسالک و ممالک، تاریخ حافظ ابرو، جغرافیای  
تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، صورة الارض - جلد دوم، حدود العالم، فرهنگ  
رشیدی - جلد سوم، معجم البلدان، یاقوت حموی و ...

همه جا، نام گناباد و اطلاعاتی در مورد آن با زندگی، گودرز، پیران و فرود یاد

شده که در اینجا از ذکر یک به یک آن خودداری گردید. (۱)

### پیدایش گناباد

با توجه به اثر نامهای قدیمی و آثار باستانی، قطع حاصل می‌گردد که گناباد قبل از اسلام وجود داشته است. اگر پیدایش آن توسط «گیو» باشد مربوط خواهد بود به حدود هشت قرن قبل از میلاد. بعضی هم تاریخ گناباد را به جلوتر آن رسانده و گفته‌اند قبل از گیو و گودرز نیز وجود داشته، زیرا جنگی که در آنجا واقع شده دلیل اینست که قبلاً آبادی در آنجا بوده است.

در کتاب فرهنگ ایران، جلد نهم که در چاپخانه ارتش، سال یکهزار و سیصد و بیست و نه چاپ شده می‌نویسد:

از آثار معلوم می‌شود گناباد یکی از شهرهای قدیمی است که در زمان سلاطین هخامنشی ایجاد شده و قرائنی از قبیل: قبر پیران ویسه، قلعه فرود، قلعه رستم و قلعه معروف به پشنگ در آنجا وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

---

## نظری بر داستانهای شاهنامه از دیدگاه فردوسی شناسان

دکتر ذبیح اله صفا:

موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم از آغاز تمدن ایرانی تا انقراض حکومت آن بدست عرب است. این دوره ممتد تاریخی به پنجاه پادشاهی تقسیم می‌شود که از حیث طول زمان و تفصیل یا اختصار مطالب با یکدیگر متفاوتند. در شاهنامه سه دوره متفاوت می‌توان تشخیص داد: اول، دوره اساطیری ( از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ) دوم، عهد پهلوانی ( از قیام کاوه تا قتل رستم ) سوم، دوران تاریخی ( عهد کیان به بعد ) قسمت سوم آمیختگی تمام با افسانه‌ها و داستانهای حماسی دارد. (تاریخ ادبیات ایران - جلد اول - صفحه ۴۱۹)

.... از مهم‌ترین مسائلی که ذکر آن درباره گوینده شاهنامه لازم است آنکه : این شاعر درنظم این منظومه بزرگ از رعایت جانب امانت و حفظ روایات کهن خودداری نکرده و آنچه از منابع و مآخذ مختلف به دست آورده بی‌کم و

کاست و گاه به نحو انتخاب به شعر نقل کرده است.

(تاریخ ادبیات ایران - جلد اول - صفحه ۴۹۴)

دکتر محمد جعفر یاحقی:

موضوع کتاب «شاهنامه» افسانه‌ها و داستانهای کهنی است که به عنوان سرگذشت تاریخی قوم ایرانی از زمانهای بسیار دور، سینه به سینه به آیندگان رسیده و در این دوباره گوییها به مرور شاخ و برگ هم پیدا کرده است.

(بهین نامه باستان - صفحه ۲۶ - ۲۵)

... به سبب علاقه‌ای که به استاد توس و قهرمانان او در میان مردم بوده است داستانهای متعددی در مورد فردوسی، شاهنامه و قهرمان آن در نقاط مختلف ایران رواج داشته است که بسیاری از آنها حتی به نسلهای امروزی نیز رسیده است.

تو این را دروغ و فسانه بدان

به رنگ فسون و بهانه بدان

از او هرچه اندر خورد باخرد

دگر، بر ره رمز و معنی برد

(بهین نامه باستان - صفحه ۲۸)

استاد مجتبی مینوی:

شاهنامه این خدمت را به ایرانیان کرده است که پهلوانان قدیم ایرانی را احیا کرده و ادبیات ماقبل اسلامی ایران را از نو متداول ساخته است.

(فردوسی و شعرا او - صفحه ۲۵)

## قلعه فرود گناباد

برگی مشهود از یک داستان باستانی

«برگی از شاهنامه زرین فردوسی»

بر طبق حکایت شاهنامه فردوسی، سیاوش پسر کیکاوس به توران زمین لشکر کشید ولی افراسیاب از جنگ طفره رفت و با وی پیمان بست. در جریان این واقعه، پیران ویسه، سیاوش را به ازدواج تشویق کرد و سیاوش دختر پیران را انتخاب نمود.

یکی زن نگه کن سزاوارخویش

از ایران بنه درد و تیمار خویش

پس پرده من چهارند خرد

چو باید ترا، بنده باید شمرد

سیاوش بدو گفت دارم سپاس

مراهمچو فرزند خود می شناس

زخوبان جریره مرا در خورست

که پیوندم از خان تو بهتر است

به موازات این ازدواج، پیران ویسه سیاوش را به خواستگاری فرنگیس دختر

افراسیاب نیز ترغیب نمود.

اگر چند فرزند من خویش تست

مراغم ز بهر کم و بیش تست

و لیکن ترا آن سزوارتر

که از دامن شاه جوئی گهر

و نتیجه این دو ازدواج تولد فرود از دختر پیران :

همانگه به نزد سیاوش جو باد

بیامد سواری ورا مژده داد

که از دختر پهلوان سپاه

یکی کودک آمد چو تابنده ماه

ورا نام کردند فرخ فرود

به تیره شب اندر چو پیران شنود

و تولد کیخسرو از دختر افراسیاب بود:

سیاوش بدو گفت کان خواب من

بجای آمد و تیره شد آب من

مرا زندگانی سرآمد همی

غم روز تلخ اندرآمد همی

ترا پنج ماهست از آبستنی

از این نامور بچه رستنی

درخت گزین تو بار آورد

یکی نامور شهریار آورد

سرافراز کیخسروش نام کن

به غم خوردن او را دلارام کن

سیاوش در نزد افراسیاب محترم بود ولی در نتیجه بدگوئی گرسیوز  
سردارتورانی، مغضوب و مقتول گردید:

بدوگفت گرسیوز ای شهریار  
سیاوش دگر دارد آئین کار  
فرستاده آمد ز کاوس شاه  
نهانی به نزدیک او چندگاه  
ز روم و ز چین نیزش آمد پیام  
همی یاد کاوس گیرد بجام  
پیران و یسه، فرنگیس را رهانید و کیخسرو را به شبانان سپرد.  
شبانان کوه قلو را بخواند  
وزان شاهزاده سخنها براند  
بدیشان سپرد آن دل و دیده را  
چنان نیک پور پسندیده را  
کیخسرو بزرگ شد و برای اینکه از دسترس ایرانیان دور باشد به فرمان  
افراسیاب به ختن رفت. گویو قهرمان باستانی ایران کیخسرو را جستجو کرد و به رفتن  
نزد کیکاوس تشویق نمود کیخسرو نزد کیکاوس رفت:  
چو کیخسرو آمد بر شهریار  
جهان گشت پر بوی و رنگ و نگار  
به آذین جهان شد آراسته  
در و بام و دیوار پُر خواسته  
و بر تخت شاهی نشانیده شد:  
وزان پس نیارست، او را بدست  
گرفت و ببردش بجای نشست

نشانده دل افروز بر جای خویش  
 زگنجور، تاج کیان خواست پیش  
 و فرود با مادرش در قلعه کلات گناباد مستقر گردید. کیخسرو پس از جلوس  
 تصمیم به جنگ با افراسیاب گرفت و طوس را به توران زمین فرستاد و به او توصیه  
 کرده راه بیابان گیرد و از راه کلات که از کنار قلعه فرود می‌گذرد عبور نکند:  
 گذر بر کلات ایچ گونه مکن  
 گر آن ره روی خام گردد سخن  
 روان سیاوش چو خورشید باد  
 بسدان گیتیش جای امید باد  
 پسر بودش از دخت پوران یکی  
 که پیدا نبود از پدر اندکی  
 کنون در کلات است و با مادرست  
 جهاندار با فرو با لشگرسرست  
 سپه دارد و نامداران جنگ  
 یکی کوه در راه دشوا تنگ  
 به راه بیابان نباید شدن  
 نه نیکو بود چنگ شیران زدن  
 ولی طوس به علت خشکی و دوری راه بیابان معبر کلات را انتخاب کرد:  
 وزان سو که بد طوس و دیگر سپاه  
 همی رفت تا پیشش آمد دوز راه  
 زیک سو بیابان بی آب و نم  
 کلات از دگر سوی و راه چرم



به گودرز گفت این بیابان خشک  
 اگر گرد عنبر دهد خاک مشک  
 چو رانیم روزی به تندی دراز  
 به آب و به آسایش آید نیاز  
 همان به که سوی کلات و چرم  
 به رانیم و منزل کنیم از میم  
 به گفت و بفرمود تا بگذرد  
 به سوی کلات و چرم ره برند  
 فرود از آمدن طوس آگاه شد و بدیدن لشکر رفت:  
 پس آگاهی آمد به نزد فرود  
 که شد روی خورشید تابان کبود  
 سپاه برادرت از ایران زمین  
 همی سوی توران گراید به کین  
 ز راه کلات است آهنگشان  
 ندانم کجا اوفتد جنگشان  
 بر، ماسدر آمد فرود جوان  
 چنین گفت کای بانوی بانوان  
 چه گویی چه باید کنون ساختن  
 نباید که آرد یکی تاختن  
 جریره بدو گفت کای رزم ساز  
 بدین روز هرگز مبادت نیاز  
 برادرت چون کینه جوید همی  
 روان سیاوش بشوید همی

ترا پیش باید به کین تاختن  
کمر بر میان بستن و ساختن

\*\*\*

به رفتند پویان تخوار و فرود  
جوانرا سر بخت برگشته بود  
بماندند خیره فرود و تخوار  
از آن لشکر و آلت کارزار  
طوس از دیدن فرود برآشفته و وی را احضار کرد:

چو ایرانیان از بر کوهسار  
بدیدند ناگه فرود و تخوار  
بر آشفته از ایشان سپهدار طوس  
فروماند برجای پیلان و کوس  
چنین گفت کز لشکر نامدار  
سواری بیامد همی کامگار  
که جوشان شود زین میان گروه؟  
به راند دمان تا سربرز کوه  
به بیند که این دو دلاور که اند  
بدان تند بالا ز بهر چه اند

فرود از آمدن نزد طوس خودداری نمود و دعوت طوس را که توسط بهرام به  
او رسیده بود رد کرد.

اما بهرام که بود؟

سری بزیم به لشکر طوس قبل از آنچه گفته شد: طوس با دیدن دو نفر سواره  
بر بلندی عصبانی شد و برای شناسائی آنها از بین لشکر پهلوانی داوطلب خواست،

اولین کسی که از بین سپاه طوس به سوی فرود و تخوار می تازد، بهرام دوست دیرین سیاوش است که:

چون بهرام نزدیک می شود بر آن دو بانگ می زند و تهدید می کند، فرود جواب می دهد آرام باش، تندی ندیده ای، تندی مکن. بهرام که از این جواب و از پرخاش بیجای خود شرم زده شده است لحن ملایم به خود می گیرد، فرود چون مطلع می شود که این مرد بهرام دوست پدرش است، با شعف کودکانه ای می گوید:

دو چشمم اگر زنده دیدی پدر  
همانا نگشتی از آن شادتر  
که دیدم ترا شاد و روشن روان  
هنرمند و بینا دل و پهلوان

آغازی خوش بر پایانی غم انگیز:

فرود توسط بهرام به طوس پیغام می دهد و لشکریان را برای مدت یک هفته دعوت می کند و نوید همراهی لشکر را می دهد:

میان را به بندم به کین پدر  
یکی رزم سازم به درد جگر  
بهرام آنچه دیده به طوس می گوید و او را از وجود فرود و دعوت او خبر می کند، طوس بر می آشوبد:

چنین داد پاسخ ستمکاره طوس  
که من دارم این لشکرو بوق و کوس  
تو را گفتم او را به نزد من آر  
سخن را مکن هیچ از او خواستار

گر او شهریار است، من خود کیم

بدین لشکر اندر زبهر چیم. (۱)※

پا فشاری بهرام از جلوگیری عزیمت سایر دلاوران سپاه سودی نبخشید و بالاخره داماد پسر و چند تن دیگر از سرداران سپاه طوس به دست فرود کشته و مجروح شدند.

طوس سر سخت تر شد و پهلوانان دیگر چون گیو و بیژن را به جنگ فرود فرستاد؛ فرود که در ابتدا توسط مادرش به کین خواهی پدر تشویق شده بود و میل همراهی با طوس داشت بالاخره زخم برداشت و پس از مراجعه به قلعه مرد:

چو رهام دید آن، در آمد زیشت

خروشان یکی تیغ هندی به مشت

بزد بر سر سفت آن مرد شیر

فروماند از کار دست دلیر

به نزدیک دژ بیژن اندر رسید

به زخمی پی باره او درید

پیاده خود و چند از آن چاکران

تسه گشته از جنگ کند آوران

به دژ، در شد و در به بستند زود

دریغ آن دل و نام جنگی فرود

همی کند جان آن گزیده فرود

همه تخت موی و همه کاخ دود

۱- محمد اسلامی ندوشن - زندگی و مرگ پهلوانان

※- این قسمت در متن اصلی تحقیق نیست.

اطرافیان فرود خود را از دژ پایین انداختند و مادرش گنجها را سوزانید و در مقابل نعش پسرش با خنجری شکم خود را درید.

فرود سیاوخش بی کام و نام  
 چو شد زین جهان نارسیده به کام  
 پرستندگان بر سر دژ شدند  
 همه خویشان بر زمین برزدند  
 جریره یکی آتشی بر فروخت  
 همه گنجها را به آتش به سوخت  
 بیامد به بالین فرخ فرود  
 بر جامه او یکی دشنه بود  
 دورخ را به روی پسر بر نهاد  
 شکم بر درید و برش جان بداد  
 در دژ گشادند ایرانیان  
 به غارت به بستند یکسر میان

برگ مشهود این داستان غم‌انگیز قلعه فرود کلات گناباد است که آثار آن هم‌اکنون بر فراز قله منفردی وجود دارد و درد و قسمت به شرح زیر بررسی می‌گردد:

الف: موقعیت قلعه فرود،

ب: آثار قلعه فرود.

### الف) موقعیت:

جغرافیای تاریخی شهرستان و شهر گناباد نشان می‌دهد که این شهرستان در دوران پیش از اسلام معبر داخلی فلات ایران و قسمتهای شرقی آن محل برخورد و

میدان جنگ لشکریان ایران و توران بوده است، هم‌چنین مشخص است که در کنار این معبر اصلی و جنگی که به وسیله تنگلهای کلات و زبید به دشت پشن و گیسور و بالاخره به قسمتهای شرقی ایران می‌پیوسته، آثاری تاریخی از جمله قلعه فرود وجود دارد.

قلعه فرود در حدود شش کیلومتری جنوب شرقی قریه کلات و ۳۰ کیلومتری جنوب گناباد، در شرق جاده آسفالته گناباد - فردوس، به احتمال قوی همان معبر اصلی و جنگی فوق است که بر فراز قله منفرد و مرتفعی قرار دارد. قریه کلات که مکرر در اشعار شاهنامه به خصوص داستان مورد بحث از آن نام برده شده است در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی گناباد واقع و بر اساس آخرین سرشماری دارای ۱۱۶۸ نفر جمعیت می‌باشد که مکانی بیلاقی و دارای آب نسبتاً زیادی است.<sup>(۱)</sup>

قله‌ای که قلعه فرود بر فراز آن قرار دارد رفیع و عظیم و وسیله دو تک (ته، تنگه) و دو دره به شرح زیر از قله‌های اطراف خود جدا افتاده است.

از شمال شرقی وسیله «تک میمند» که آبی به همین نام در آن جاری است و پس از پیچ و خمهای فراوان و تشکیل آبشارهای کوتاه و بلند و متعدد به قریه کوچک میمند می‌رسد و آن را مشروب می‌کند.

از جنوب غربی به «تک زو» که آبی به همین نام در آن جاری است. این آب نیز از میان سنگهای کوچک و بزرگ می‌گذرد و آبشارهایی به ارتفاع سه تا ده متر تشکیل می‌دهد و بالاخره قریه کوچکی به نام «زو» را مشروب می‌کند. پهنای این تک غالباً ۵ تا ۱۰ متر و عبور از آن مشکل است.

دیواره‌های سنگی طرفین آن تا آسمان ممتد به نظر می‌رسد و در بعضی جاها، دیوار سنگی قله پایه قلعه به طرف تک متمایل و به صورت ایوان مسقف در

۱- حسین پور ابراهیم، همان کتاب، ضامم.

آمده است. وجود سه آثار آسیا در این تک نشان می‌دهد که سابقاً آب زیادتری در آن جاری بوده است.

از مغرب به دره «زو» که در قسمت جنوب به «تک زو» می‌رسد صعود از این دره به سطح قلعه فرود، بدون وسایل کوهنوردی مشکل است. از مشرق به دره «کوه قلعه» که احتمالاً نام آن را از قلعه فرود گرفته‌اند. این دره از «دره زو» کم عمق‌تر بوده و تنها راه نسبتاً سهل‌الورود به قلعه از قسمت شمالی آن است که به «تک میمند» منتهی می‌شود. احتمالاً سرداران ایرانی از همین راه به قلعه صعود می‌کرده‌اند و این شعر فردوسی:

چو سالار طوس از میم<sup>(۱)</sup> بنگرید

شد آن کوه بر چشم او ناپدید

در همین مورد سروده شده است.

## ب) آثار:

آثار موجود قلعه فرود و اطراف آن عبارت از سه قسمت است.

### آسیاهای تک زو:

این آسیاها در اواخر قسمت جنوبی تک، هریک به فاصله سی متر از دیگری قرار دارد. از آسیاهای شمالی فعلاً قسمتی از تنوره و محل ناوه (ظرفی هرمی شکل که گندم از آن به سوراخ سنگ بالای آسیاب می‌ریزد) باقی است. ضخامت دیوار سنگی تنوره حدود ۱/۲۵ متر و قطر داخلی آن یک متر است

۱- به احتمال «میمند» می‌باشد.

و از پایین به بالا مانند مخروط باریک می شود. دیوار ایوان یا طاق نمای شمالی که ناوه در آن قرار داشته از سنگ و قوسهای تقریباً جناقی آن از آجر است. در طرفین این طاق نما، محل اتصال دو سرچوبی که ناوه را نگه می داشته به خوبی روشن است و حتی قدری از آن چوب در انتهای سوراخ اتصال به چشم می خورد. ارتفاع این طاق نما حدود سه متر است و جست قوس آن قریب یک متر می باشد. آسیای وسط از نظر ضخامت دیوار و قطر تنوره نظیر آسیای شمالی است و آجرهای قوس طاقهای مشرف بر ناوه به ابعاد  $26 \times 26 \times 7$  سانتیمتر است ولی ساروج آن از بین رفته و قسمت پایین تنوره به وسیله سیل پر شده است. ارتفاع تنوره این آسیا در خارج و در قسمت شمال مانند تنوره آسیای شمالی، در حدود ده متر و کف آن هم سطح انتهای تنوره آسیای شمالی است و با توجه به ده متر اختلاف در، سی متر فاصله، شیب تند تک به خوبی روشن می گردد. از آسیای جنوبی فعلاً فقط کف تنوره سنگی و آثار ساروج آن ظاهر است.

در بالای سه آسیا سطح سنگی نسبتاً مسطحی در پناه دیواره قله وجود دارد که احتمالاً منزل آسیابانها بوده است.

### غارهای قلّه زیر قلعه:

در حال حاضر اثر چهار غار در غرب و شرق دیده می شود.

- ۱- غار سمت غربی: دهانه این غار در اواسط تک زو با ارتفاع کمی از قعر تک دیده می شود و به مرور زمان در اثر سیلابهای زمستانی و بهاری تقریباً مسدود است.
- ۲- غار سمت شرقی: که در کمر قله قرار دارد و به مرور زمان به علت نزول خار و خاشاک و سقوط لبه های غار و پایین رفتن و بالا رفتن کبوترگیران قسمت عمودی آن تا نزدیک دهانه پر شده است ولی ادامه شیب دار آن هنوز به خوبی دیده می شود طبق گفته بعضی از اهالی محل این غار به غار سمت غربی مربوط بوده



است:

۳- دو غار پایه شرقی قلعه: این دو غار هریک به عمق افقی بیش از بیست و عرض سه و ارتفاع دو متر مصنوعا به غرب کنده شده و طاق هلالی در آنها تعبیه گردیده است البته این مشخصات مربوط به حالت مشهور دو غار است و شاید با خاک برداری و حفاری های علمی در کف و یا دیوارهای آنها آثار دیگری ظاهر گردد.



## سه اثر تاریخی در زبید گناباد

گناباد در قبل از اسلام معبر داخلی فلات ایران و قسمتهای شرقی آن به موجب اشعار شاهنامه فردوسی محل برخورد و میدان جنگ لشکریان ایران و توران بوده است.<sup>(۱)</sup>

این معبر در سمت جنوب از دو راه به قلب فلات ایران راه می‌یافت و در کنار هر یک از دو راه بناها و استحکاماتی ایجاد شده است:

اول: تنگل کلات که طریق اصلی محسوب می‌شده و فعلاً راه آسفالته گناباد- فردوس از آن می‌گذرد و آثار قلعه فرود گناباد در کنار شرقی آن به چشم می‌خورد.<sup>(۲)</sup>

دوم: تنگل زبید که از گردنه امرود کوه، سی کیلو متری جنوب غربی مرکز گناباد می‌گذشته و فعلاً نیز به صورت یک راه مالرو نسبتاً وسیع است و سه اثر تاریخی مورد بحث در این قسمت در دو سوی آن قرار دارد.

۱- آشنایی با شهرستان گناباد، همین کتاب، صفحه ۳

۲- قلعه فرود گناباد، همین کتاب، صفحه ۱۱

در ابتدای این تنگه قریه زبید که حدود یکهزار و دویست نفر جمعیت دارد<sup>(۱)</sup> واقع است. هوای آن در زمستان معتدل و در تابستان خنک و مطبوع است. زبید در قدیم «ربید» نام داشته است.<sup>(۲)</sup>

به موجب اشعار فردوسی شاعر گرانقدر ایران گودرز سردار لشکر ایران و پیران سردار لشکر توران دست از جنگ می‌کشند و برای جلوگیری از خونریزی و کوتاه کردن راه مبارزه پیمان جنگ تن به تن می‌بندند:

به کردند پیمان و گشتند باز

گرفتند کوتاه راه دراز

به موجب این پیمان یازده جفت مبارز از هر جفت، یکی ایرانی و دیگری تورانی با هم مبارزه می‌کنند.

اول فربرز با گلیاد:

نخستین فربرز گوردلیر

ز لشکر برون تافت برسان شیر

دوم گیو با گردی زره:

و دیگر گردی زره دیو نیو

برون رفت با پورگودرز گیو

سوم گرازه با سیامک:

۱- جمعیت زبید طبق سرشماری ۱۳۶۵، ۱۵۸۸ نفر میباشند، حسین پورابراهیم، همان کتاب، ضمیمه

سه دیگر سیامک ز توران سپاه  
 بشد با گرازه به آورد گاه  
 چهارم فروهل با زنگله :

چهارم فروهل بدو زنگله  
 دو جنگی به کردار شیر یله  
 پنجم رهام با بارمان :

به پنجم چو رهام گودرز بود  
 که با بارمان او نبرد آزمود  
 ششم بیژن با روئین :

ششم بیژن گیو و روئین دمان  
 به زه بر نهادند هردو کمان  
 هفتم هجیر با سپهرم :

برون تاخت هفتم ز گردان هجیر  
 گونامدار و سوار هژیر  
 هشتم گرگین با اندریمان :

چو گرگین به هشتم بشد کینه خواه  
 ابا اندریمان ز توران سپاه  
 نهم برته با کهرم :

نهم برته با کهرم تیغ زن  
 دو خونی هر دو سر انجمن  
 دهم زنگه شاوران با اخواست :

دهم را ز گردان و جنگ آوران  
 بشد ساخته زنگه شاوران

یازدهم گودرز با پیران :

چنان شد که شیران ز توران سپاه  
 سواری ندید، اندر آوردگاه  
 سپهدار ایران و توران بهم  
 فراز آمدند اندر آن کین دژم<sup>(۱)</sup>  
 در اوج مبارزه پیران با دست شکسته به سوی کوه می‌گریزد، گودرز او را  
 تعقیب می‌کند و پس از دیدن جسد خون‌آلود او به نزد لشکر بر می‌گردد:  
 چو گودرز بر شد بر آن کوهسار  
 بدیدش بدانگونه افکنده خوار  
 درفشش به بالین ابر پای کرد  
 سرش را بدان سایه بر جای کرد  
 سوی لشکر خویش بنهاد روی  
 چکان خون ز بازوش چون آب جوی  
 نگهبانان ایران و توران در کوه ریبد و کوه گنابد، شکست پیران را می‌فهمند و  
 لهاک و فرشید ورد، دلیران لشکر پیران، راه توران را پیش می‌گیرند:

هم اندر زمان از لب دیده‌بان  
 به گوش آمد از کوه ریبد فغان

....

ز کوه گنابد همی دیده‌بان  
 بدید آن‌شگفتی و آمد دوان

۱- شاهنامه فردوسی، تصحیح اغوستوس و ولرس لیدن، مطبعه بریل، ۱۸۸۰ میلادی، صفحه

چنین گفت گر چشم من تیره نیست  
 از اندازه دیدار من خیره نیست  
 ز ترکان برآورد یزدان هلاک  
 همه رنجه‌ها سر به سرگشت خاک  
 وز آن سوی ریبد یکی تیره گرد  
 پدید آمد و دشت شد لاجورد  
 کیخسرو به ریبد می‌آید و فرمان دفن پیران و سه را می‌دهد. تورانیان زینهار  
 می‌خواهند و کیخسرو موافقت می‌کند و پس از چند توقف در ریبد آهنگ، شاه‌گنگ  
 می‌نماید.

چو از روز، نه ساعت اندر گذشت  
 خور از گنبد چرخ گردان بگشت  
 جهاندار خسرو به نزد سپاه  
 بیامد بر آن دشت با فروجاه

....

یکی دخمه فرمود خسرو بمهر  
 برآورد سر تا بگردن سپهر  
 نهادند سر پهلوان را بگاه  
 کمر بر میان و به سر بر، کلاه

....

به ریبد ببد شاه یک هفته نیز  
 درم داد و دینار و هرگونه چیز  
 فرستاد هر سو فرستادگان  
 به نزد بزرگان و آزادگان

که زی درگه آیند با ساز جنگ  
 که داریم آهنگ زی شاه گنگ  
 آثار موجود موضوع این داستان در طرفین تنگل ریید عبارت است از:

- ۱- قلعه مخروبه زیید
- ۲- قلعه مخروبه شاه نشین
- ۳- قبر پیران و سسه و درب صوفه

که اشعار شاهنامه فردوسی را تایید می کند.

### ۱- قلعه زیید:

آثار این قلعه در جنوب غربی زیید، ابتدای تنگل و روی یک تپه به ارتفاع حدود ۲۵ متر قرار دارد.

نقشه آن تقریباً مستطیل به طول ۴۳ و عرض ۳۰ متر و در چهار گوشه، دارای برج های مدور است این قلعه نسبتاً کوچک است ولی در اطراف آن آثار بعضی قسمتهای ساختمانی از جمله بقایای دو حوض در شمال شرقی و شمال غربی وجود دارد که احتمال می رساند مساحت بیشتری در زیر آن قرار داشته است. قلعه زیید از نظر شکل ساده و از لحاظ ابعاد تقریباً نامنظم است به نحوی که ضلع شرقی بلندتر از ضلع غربی است و برجهای گوشه ها در مقطع افقی دایره کامل نیست و با مقایسه چهار برج تفاوتی به چشم می خورد.

برج شمال شرقی:

قطر بلندتر ۳۱۰ سانتیمتر

قطر کوتاهتر ۲۸۲ سانتیمتر

کلفتی دیوار ۱۲۵ سانتیمتر



## برج غربی :

قطر بلندتر ۳۸۰ سانتیمتر

قطر کوتاهتر ۳۵۲ سانتیمتر

کلفتی دیوار ۱۲۵ سانتیمتر

## برج جنوب شرقی :

قطر بلندتر ۲۹۷ سانتیمتر

قطر کوتاهتر ۲۴۳ سانتیمتر

کلفتی دیوار ۱۷۳ سانتیمتر

## برج جنوب غربی :

قطر بلندتر ۳۶۴ سانتیمتر

قطر کوتاهتر ۳۱۰ سانتیمتر

کلفتی دیوار ۱۲۵ سانتیمتر

به طوریکه ملاحظه می شود قطر داخلی برجها بین ۳۸۰ تا ۲۴۳ سانتیمتر تغییر می کند و قطر خارجی نسبتاً دارای اختلاف کمی است، اما ضخامت چهاردیوار که ارتفاع آنها بین ۳۲۱ تا ۵۱۰ سانتیمتر است، مساوی و درست ۱۲۰ سانتیمتر است. در داخل قلعه فعلاً انبوهی از سنگهای مختلف الشکل رویهم انباشته شده و تشخیص نقشه و طرح قسمتهای مختلف ساختمانی دشوار است.

مصالح عمده قلعه زبید نسبت به آنچه مشاهده می شود عبارتند از: سنگ در دیوارها، گل رس مخلوط با گچ در ملاط و آجر و ساروج در آب انبار در میان سنگهای درون قلعه، آجرهای معدودی هم به چشم می خورد و احتمال می رود پوشش قسمتهای مختلف ساختمان از آجر بوده است. اضافه بر سقف، در بعضی از دیوارها از جمله آب انبار مدوری که به قطر حدود ۵ متر در شمال غربی قلعه و دامنه تپه به چشم می خورد، نیز آجرهای خاکی رنگ و صورتی به کار رفته

است. آب قلعه از طریق تنگل زبید (به اصطلاح محل آب کوه) تأمین می‌شود و اثر مجرای آب در فاصله تقریباً سیصد متری جنوب قلعه قابل تشخیص است. در این محل آسیایی وجود دارد که تا سالهای اخیر قابل استفاده بوده و بنای آن نسبتاً جدید به نظر می‌رسد ولی تنوره مخروطی شکل آن که از سنگ و ملاط گچ و ساروج ساخته شده احتمالاً هم عصر قلعه و برای مصرف بوده است. در چند متری این آسیا و سمت غرب تنگل یک غار وجود دارد.

## ۲- قلعه شاه نشین:

در مغرب تنگل زبید و حدود ۵ کیلو متری قریه زبید یک قله منفرد و مخروطی به چشم می‌خورد که پایه آن محدود است به:

- از مشرق به تنگل زبید
- از شمال به تک بیدو
- از جنوب به تنگل کم چنار
- از مغرب به دره پشت کاریز شهاب

برای صعود به قله باید از تک بیدو، در جهت غربی به طرف زوبند آن تک و گردنه خاتومه رفت و در روی یک تیغه پشت ماهی به مشرق برگشت و در این جا قله سرچشمه، که در زیر قله شاه نشین است، چون کله قندی به نظر می‌رسد که در شیب تند آن قطعات کوچک و بزرگ سنگ قرار گرفته و با آندک حرکتی ممکن است به روی هم به لغزد و صعود را مشکل کند در هر چند قدم می‌باید ایستاد و جای پای خود را محکم کرد و با احتیاط کامل از گیاهانی که در خلال سنگها روییده است کمک گرفت. در این جا قطعات آجر خاکی و صورتی رنگ و سفالهای ساده و دارای لعاب سبز و آبی و زرد دیده می‌شود و می‌رساند که سابقاً نوک قله دارای بناهای

آجری و محل زندگی مردمانی بوده است.

درسی متری انتهای قله، صعود کاملاً مشکل می‌شود و کسانی که جرأت و نیروی کافی داشته باشند به زحمت می‌توانند از آنجا نگاهی به پایین بیفکنند و به اوضاع احوال و قدرتهایی که زندگی در رأس این گونه قله ها را به مرحله عمل درآورده است بیندیشد. در این‌جا، اضافه بر قطعات آجر و سفال گاهگاه خاکه ساروجهایی که از بالا فرو ریخته و نشانه خراب شدن بناهای روی قله است دیده می‌شود.

هنگامی که به دشواری هر چه تمامتر به نوک قله برسند از قلعه شاه‌نشین جز سطحی بیضی، شرقی - غربی، که به قول راهنمای محلی چون گورستان با قبرهای فرورفته است چیزی نمی‌بینند و با تأمل فکر می‌کنند که زمانی در این مکان بطوری که از اسمش پیداست شاهی می‌نشسته و برای نشستن او بناهای محکم و مطمئن و مناسبی وجود داشته و به مرور زمان مورد قهر طبیعت و بی‌مهری و بی‌احتیاطی افرادی بی‌اطلاع قرار گرفته است.

جای پایه‌های آجری و چاله‌های آن، به خصوص سمت غربی نشان می‌دهد که اهالی دهکده‌های مجاور به تدریج و شاید هم در قرون اخیر آجرهای محکم آن را برای ساختن حمام و مسجد (چنانچه جسته، گریخته در محل گفته می‌شود) و یا مصارف دیگر کنده و برده‌اند و ندانسته‌اند که یک اثر پرارزش باستانی موطن خود را، ویران کرده‌اند.

با وجود آفتاب شدید روز هشتم مرداد ۱۳۵۱، هوا خنک و مطبوع است، ولی جریان باد شدید اندازه‌گیری قطره‌های بیضی شکل قلعه را با متر تسمه‌ای مشکل می‌کند، راهنمای محلی قطر بلندتر از غرب به شرق و کوتاهتر را از شمال به جنوب قدم می‌کند و متوجه می‌شود که اولی ۱۱۰ قدم (حدود ۷۵ متر) و دومی ۴۶ قدم (حدودی ۳۲ متر) است. در جریان قدم زدن و در انتهای شمالی قطر کوتاهتر، چاهی

سنگی به چشم می خورد. نزدیک شدن به دهانه آن، به علت شیب لبه و طواف در دور آن به علت برآمدگی سنگی سمت شمال، آسان نیست ولی قطر آن بیشتر از شش متر و عمق آن بیش ۵ متر به نظر می رسد.

شاید این همان چاهی بوده باشد که به گفته بعضی از اهالی محل همه روزه، وسیله چهل نفر دختر باکره از چشمه مجاور پر آب می شده است.

### ۳- درب صوفه و قبر پیران ویسه:

تنگل زبید پس از حدود هفت کیلو متر که از غرب قریه زبید به جنوب می رود به سمت راست منحرف می شود و در جهت شمال شرقی - جنوب غربی امتداد می یابد و در این مسیر، حد جنوبی پایه قله سرچشمه را تشکیل می دهد و ضمناً طریق دوم معبر فلات ایران و قسمتهای شرقی آن، گناباد، را در بر می گیرد. در ادامه محاذات تنگل زبید شاخه کوچکی از مسیل به نام تک استری باقی می ماند و به زوبند پشت «صوفه پیر» منتهی می گردد، در لبه شرقی این تک ایوان بزرگی در دل کوه حفر شده که درب صوفه نامیده می شود و ابعاد آن به این قرار است:

دهانه یا پهنا در کنار تک ۲۰ متر

عمق یا درازا از کنار تک ۲۵ متر

بلندی متوسط ۲۵ متر

در ۱۶/۴/۱۳۴۹ که نگارنده به اتفاق راهنمای محلی و با وسایل موجود ابعاد را مشخص نمود، پنج پله سراسری سنگی، هر یک به ارتفاع یک و عرض ۲/۵ متر در ابتدای ایوان وجود داشت، کف آن، ناصاف بود و در ته آن یک علم با پارچه سیاه خالدار نصب بود و اضافه بر آن چند نهال کوچک تاک و توت به چشم می خورد و دو شاخه انجیر در دیوار سنگی ته ایوان و چند درخت پر از برگ در جلو ایوان و لبه تک

وجود داشت و به نحوی که گرفتن عکس از مقابل ایوان مشکل بود. سقف ایوان وضع تقریباً گهواره‌ای داشت و با وجود گذشت سالیان دراز هنوز جای کلنگ در بعضی قسمت‌های آن قابل تشخیص بود.

از «زوبند» صوفه پیر، که قطعاً نام خود را از این ایوان گرفته است، آب زلال و گوارایی جریان داشت. این آب از جلو ایوان می‌گذشت و با چشمه‌ای که در خارج ضلع شمالی ایوان ظاهر می‌شد مخلوط می‌گردید و درختان سر سبز و مزارع مزرعه‌ای بنام «درب صوفه» را مشروب می‌کرد. درب صوفه یکی از تفرجگاه‌های تابستانی مردم گناباد است و شاید اسلاف آنان نیز به همین منظور از آن استفاده می‌کرده‌اند.

در بالای ایوان سطح عمودی شیاردار و تیره صخره دیوارمانندی به بلندی نزدیک به پنجاه متر وجود دارد و نوک آن به محلی می‌رسد که بر طبق حکایت شاهنامه و گفته‌های محلی، گور پیران ویسه در آنجا است. برای صعود به محل گور پیران ویسه می‌باید از سمت شرق و از کوره راهی که به مزارع وسط کوهستان می‌رود استفاده کرد ولی راهنمای محلی، نگارنده را از یک شکاف سنگلاخی و عریضی که در شمال ایوان واقع بود به بالا هدایت کرد. در این شکاف هزاران تن سنگ روی هم قرار گرفته بود ولی با وجودیکه سنگها در اثر حرکت، به پایین می‌غلطید ظاهراً خطر سقوط احساس نمی‌شد، حدود یک ساعت پس از حرکت به سطحی که مانند پشت شتر دوکوهانه، از شرق به غرب به دوبرآمدگی متصل بود رسیدیم. در فاصله بین دوبرآمدگی قطعات سنگ نا مرتب به صورت یک دیوار خراب شده به چشم می‌آمد و در قسمتی از این دیوار خراب شده قطعات سنگ فراوان و پهنای آن زیادتر و دست‌کاری شده بود. همین قطعات سنگ بر طبق گفته راهنما و قبول اهل محل، قبر پیران ویسه است و احتمالاً توسط بعضی افراد غیر مجاز کند و کاو شده است. این نقطه در سمت جنوب قله سرچشمه و تقریباً در فاصله یک کیلومتری آن قرار دارد و

در بین آن دو، مانع دیدی وجود ندارد، یعنی در بالای هر یک از دو قلعه به خوبی قلعه دیگر دیده می‌شود.

راهنمای نگارنده در محل قبر می‌گفت:

«شهاب گبر در قلعه سرچشمه، و پیران ویسه در اینجا سنگر می‌بندند، ولی هیچ یک نمی‌تواند بر دیگری غلبه کند تا بالاخره هر دو به دشت «سرپرند» می‌روند و در نتیجه مبارزه، پیران کشته و در اینجا دفن می‌شود.»

### دلایل تاریخی:

هر سه دسته بناهای مذکور با توجه به دلایل ذیل مربوط به پیش از اسلام و مورد استفاده در دوره ساسانی به نظر می‌رسد:

#### ۱- اشعار شاهنامه:

این اشعار به صراحت از ریبد (زیبد) نام می‌برد و حتی چگونگی مبارزه دلیران دو لشکر ایران و توران و کیفیت تعقیب پیران را به وسیله گودرز حکایت می‌کند و اشاره می‌نماید که به فرمان کیخسرو، پیران در ریبد دفن شده است. احتمالاً قلعه سرچشمه که چون کله قند است، همان کوه مندرج در اشعار شاهنامه می‌باشد:

همی گشت گودرز بر گرد کوه

نبودش بدوراه و آمد ستوه

و کوه پشت ایوان «درب صوفه» و حتی خود ایوان همان مدفن پیران ویسه است.<sup>(۱)</sup> زیرا شخصیت بزرگی چون او، که به فرمان شاه با مشک و عبیر و گلاب

۱- بر طبق اشعار شاهنامه، دخمه‌ای ساخته شده و پیران با تخت و کمر و کلاه دفن شده است.

شسته و با دیبای رومی پوشیده می شود، در کوه خشک و خالی دفن نمی گردد:

به فرمود پس مشک و کافور ناب  
عبیر اندر آمیختن با گلاب  
تنش را بیالود از آن سر به سر  
به کافور مشکش بیاکنده بر  
به دیبای رومی تن پاک اوی  
به پوشید و آن کوه شد خاک اوی

به احتمال قوی ایوان بزرگی که در محل، «درب صوفه» نامیده می شود در همان موقع وجود داشته و یا حفر گردیده و پیران در خود و یا پشت آن دفن شده است.

می توان گفت: بناهای روی قله سرچشمه در همان موقع وجود داشته و پیران نیز ریبد و استحکامات و مواضع اطراف آن را می شناخته و احتمالاً نظرش از ترک دشت و در پیش گرفتن کوه، دست یافتن به نقطه امن و مستحکمی بوده است. در اینجا می باید یادآور شد که ممکن است محل فوت و محل دفن پیران یکی نباشد، زیرا ابتداء جسدش را از کوه به اردوگاه آوردند و پس از صدور فرمان کیخسرو دفن کردند:

به رهام فرمود تا برنشست  
به آوردن او میان را به بست  
بدو گفت کورا به زین بریند  
فرود آرش از کوهسار بلند

بعلاوه فردوسی اشاره به کوه «ریبد» می کند و معمولاً دیده بان در قله ای بدون جان پناه نمی ایستد، بلکه احتیاج به برج و بارو و محلی مخصوص دارد و محل دیده بان مورد اشاره شاهنامه می باید در قله شاه نشین و یا قله زبید بوده باشد.

## ۲- شایعات و اخبار محلی:

این شایعات و اخبار، که سینه به سینه نقل و تعریف می‌شود عموماً دارای وجه تسمیه است و وجوه تسمیه مادامی که خلافتی ثابت نشود قابل قبول است، بنابراین:

نام قلعه شاه‌نشین می‌فهماند که زمانی موقت یا دائم در بناهای روی قلعه زبید، شاهی می‌نشسته، چه کیخسرو، و چه یکی از شاهان تابع او.  
نام «زوبند صوفه پیران» می‌فهماند که آن «زوبند» در نزدیک ایوان منسوب به پیران ویسه قرار داشته است.

نام قبر پیران ویسه ظاهراً دلیل وجود جسد وی و مؤید ایوان پایین قبر او است. اما در باره شایعات محلی، نگارنده برای تکمیل شنیده‌های قبلی در هشتم مرداد ۱۳۵۱ با آقای کربلایی حسین زبیدی، ریش سفید محل و پیرمرد ۱۰۴ ساله زبید ملاقات نمودم و ایشان گفتند:

«قلعه زبید به قدمت ارگ فرود است و آن ارگ و این قلعه با هم ساخته شده است. در زبید لشکر کیخسرو و لشکر پیران ویسه به هم رسیده و در دشت سرپروند<sup>(۱)</sup> (ابتدای پیوند یا به هم رسیدن دو سپاه) با هم جنگ کردند و پیران ویسه کشته شده و در پشت صوفه دفن گردید.»  
ایشان در مورد قلعه سرچشمه گفتند:

«در بالای آن یکی از سلاطین قدیم زندگی می‌کردند و آب چاه آن، وسیله بزهای نر، به بالا حمل می‌شده است. در بالای قلعه ساختمان آجری بوده که ایشان دیده‌اند و «بی» آن فعلاً وجود دارد.»

این گفته را راهنمای نگارنده در تیرماه ۱۳۴۹ اصولاً ولی به شکل دیگری

۱- هم اکنون قطعه زمین وسیعی در غرب قریه زبید به نام دشت «سرپروند» نامیده می‌شود.



اظهار داشته بود. او صاحب قلعه شاه نشین را شهاب گیر و وسیله حمل آب را انسان و مشک می دانست.

او گفت:

«در قلعه شهاب آجرهای بزرگ و سفالهای مختلف وجود دارد و بعضی از اهالی کلاته شهاب از آن آجرها در ساختن حمام و حوض استفاده کرده اند.»

### ۳- آثار مشهود:

هر سه دسته بناهای مذکور از نظر موقعیت و نقشه و طرح ساختمان و مصالح با بناهای پیش از اسلام به خصوص بناهای دوره ساسانی مشابه و قابل مقایسه است:

**قلعه زبید:** این قلعه یک بنای دوره ساسانی، به نظر می رسد زیرا:

الف: مانند اکثر قلاع آن دوره بر فراز تپه و در کنار راه ساخته شده است.

ب: با اینکه قطعات داخل ظاهراً قابل تشخیص نیست، در نظر گرفتن حصار و تقویت آن با برجهای مدور و همچنین ملحقاتی از قبیل آب انبار و غیره در نقشه های دوره ساسانی متداول بوده و نگارنده ضمن بررسی قلعه دختر شوراب گناباد در این باره توضیح داده است.

ج: به کاربردن سنگ و آجر و ساروج و گچ و خاک در دوره ساسانی معمول بوده است.

**قلعه شاه نشین:** این قلعه مانند قلعه زبید، یک بنای ساسانی به نظر می رسد زیرا:

الف: بر فراز یک قله منفرد و رفیع و صعب العبور و واقع در کنار راهی که قلب فلات ایران را به قسمتهای شرقی آن مربوط می کرده ساخته شده است.<sup>(۱)</sup>

۱- باستانی پاریزی، خاتون هفت قلعه، چاپ رنگین، ۱۳۴۴، صفحه ۲۳۰

ب: با وجود یکه در وضع فعلی نقشه کلی و قطعات ساختمانی مشخص نیست، وجود جای پایه ها و جای دیوارهای آجری حکایت از تالارها و اطاقهای مربع و مستطیل می کند و با توجه به خاکه های گچ و ساروج معلوم می شود که مصالح عمده آن آجر و گچ و ساروج یعنی همان مواد مورد استعمال در بناهای ساسانی بوده است.

ج: وجود چاه عمیق در سطح قله و شایعه حمل آب با مشک و بر طبق اظهار بعضی، توسط دختران با کره، احترام آب و خدای ناهید را به خاطر می آورد.

درب صوفه: صرف نظر از قبر پیران ویسه که چیزی جز قطعات سنگ نامرتب نشان نمی دهد و می باید در این مورد به خبر شاهنامه اکتفا کرد، درب صوفه از نظر موقعیت و شیوه سقف یک ایوانی ساسانی به نظر می رسد و ساختمانهایی هم چون طاق کسری و طاق بستان را به خاطر می آورد و اگر هم به خلاف آنچه فردوسی گفته است دخمه و مدفن پیران ویسه نباشد، احتمالاً برای مصرفی نظیر آنچه در مورد طاق بستان مورد نظر بوده ساخته شده است و شاید می خواسته اند نقوشی در آن ایجاد نمایند.

### برداشت کلی:

الف: به طوریکه می دانیم قوم پارت یا اشکانیان در سرزمینهای بین دریای خزر، دریاچه آرال و در واقع خراسان زندگی می کرده اند.<sup>(۱)</sup> و با توجه به نقشه مربوط به آسانی استنباط می شود که گناباد در داخل حدودی که سرزمین اشکانیان شمرده شده، واقع بوده ممکن است پس از استقرار شاهنشاهی اشکانی بعضی از

فرمانروایان آن دوره در گناباد ساکن بوده، استحکامات و بناهایی بر طبق احتیاجات و سنتهای وقت به وجود آورده‌اند و یا آثار باقیمانده از دوره‌های قبل را متصرف شده‌اند و سپس از ایشان به حکام دوره ساسانی انتقال یافته است.

ب: ایالت قهستان، که گناباد اغلب ضمیمه وگاهی مرکز آن بوده<sup>(۱)</sup> در دوره ساسانی یکی از سرزمینهای آباد ایران و مولد بزرگمهر وزیر مشهور ساسانی و مقر حکام قدرتمندی چون قارن، و بستگان او بوده است.<sup>(۲)</sup> این حکام گاهی به نقاط مجاور حمله می‌کرده‌اند و یا سرزمینشان مورد حمله دیگران قرار می‌گرفته و ایجاد تأسیساتی چون قلعه زبید و قلعه شاه نشین را ایجاب می‌کرده است.

اضافه بر این دوره، راههای بزرگ، احتیاج به استحکامات و مشعل و راهنما و معبد داشته است و می‌توان قلعه زبید را یکی از استحکامات و قلعه‌شاه‌نشین را یک محل مشعل و معبد به شمار آورد.

ج: در قرون اولیه اسلام به علت عمر کوتاه سلسه‌ها و بعد از آن به علت فعالیت‌های پیروان حسن صباح و حسین قاینی، ایالت قهستان و به تبع شهرستان گناباد وضع متشنج و ناثابتی داشته و حکام و بزرگان ناگزیر از استفاده و حفظ قلاع سابق و به احتمال ایجاد قلاع جدید بوده‌اند و به همین جهت شاید بتوان تاریخ تأسیس این گونه بناها را به قرون اولیه اسلامی نسبت داد، ولی ایجاد بناهای عظیم با قدرتهای متوسط، بعید به نظر می‌رسد. وجود سفالهایی که اکثر مربوط به قرون اول تا هفتم هجری به نظر می‌رسد نیز نمی‌تواند دلیل قاطعی در انتساب آنها به آن قرون باشد، بلکه می‌تواند دلیل قابل سکونت بودن آنها در آن قرون شمرده شود و به هر حال با انجام کاوشهای دقیق علمی وضعیت کلی این آثار بهتر روشن خواهد شد.

۱- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۹

۲- حاج شیخ محمد حسین آیتی، بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات، تهران، ۱۳۲۷،



---

## دو اثر تاریخی در پسکلوت گناباد

دهستان پسکلوت در شمال شرقی شهرستان گناباد واقع است و معبری که قسمتهای داخلی فلات ایران باستان را به قسمتهای شرقی آن مربوط می‌کرده از آن می‌گذشته است.

کلات در مفهوم محلی به معنی برآمدگیها و زمینهای شور است و ظاهراً چون دهستان مزبور نسبت به مرکز گناباد در پشت برآمدگیهای شوری که کلوت بیدخت نامیده می‌شود قرار گرفته مسمی به پسکلوت گردیده است.

پسکلوت مشتمل روستاهای به نسبت آباد و دارای آثار تاریخی جالب توجه است که دوتای آنها تحت عنوان «قلعه دختر شوراب گناباد» و «مقبره جغتین گیسور» در همین کتاب آمده و در این قسمت، شهر باستانی پشن و مزار بیمرغ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**شهر باستانی پشن:**

---

ویرانه‌های این شهر درجهل کیلو متری شمال شرقی گناباد د رکنار معبر فوق‌الذکر قرار دارد، این ویرانه‌ها در زمین به نسبت وسیعی به درازای ۶ و به پنه‌ای حدود ۵ کیلو متر و به صورت تپه‌های بزرگ و کوچک وجود دارد و بر سطح این تپه‌ها و فواصل بین آنها قطعات مختلف سفال، فراوان دیده می‌شود. این تپه‌ها عبارت است از:

۱- تپه پشته: که از دو تپه دیگر مرتفع‌تر و بزرگتر به نظر می‌رسد و بیش از ده متر ارتفاع و حدود سی متر قطر دارد در سطح این تپه سوراخ‌ها و گودیهای کوچکی به چشم می‌خورد و احتمال می‌رود وسیله بارانهای شدید یا بر اثر کند و کاو ایجاد شده باشد ولی روی هم رفته تپه سالم و دست‌نخورده‌ای به نظر می‌رسد. به قرار اظهار بعضی از اهالی محل، گهگاه در اطراف این تپه و سایر نقاط خرابه شهر پشن آثار و اشیایی پیدا شده و چند سال قبل نیز گویا با اجازه مقامات مربوطه حفاریهایی در نقاط نزدیک آن به عمل آمده و آثاری پیدا شده است.

۲- تپه نقاره‌خانه: که در شمال تپه پشته واقع و در حدود یک کیلومتر با آن فاصله دارد.

۳- تپه اروک (Arouk): که در قسمت جنوب و تقریباً دو کیلو متری<sup>(۱)</sup> تپه پشته واقع و خود مشتمل بر دو تپه است. این دو تپه در وسط اراضی زراعتی واقع و قطعات سفال آن خیلی کمتر از تپه پشته است و به صورت یک تپه سرازیر شده و به اراضی مجاور منتقل و بالاخره توسط زارعین جمع‌آوری گردیده است. بر طبق اظهار

۱- فواصل تپه‌ها و حدود شهر باستانی پشن به موجب اظهار ریش سفیدان محل و به طور تقریبی ذکر شده است.

بعضی از ریش سفیدان محل گهگاه اندکی پایین تر از سطح تپه خشت خام ظاهر و کودکان محل هنگام بازی آن را مشاهده کرده‌اند.

در سیزدهم تیرماه ۱۳۴۹ که نگارنده به معیت آقای حاج علی توکلی (رییس فرهنگ و هنر وقت) این تپه ها را مشاهده نمود، آقای حاج غلامرضا حسینی یکی از اهالی محل در گوشه قطعه‌ای از زمینهای مزروعی اثر دیواری را نشان داد که با آجرهای محکم و ساروج ساخته شده بود. بقیه دیوار در زیر خاک پنهان مانده و آنچه ظاهر بود، از نظر شکل آجرها و ملاط آنها به دیوار آجری آب انبار یا خزانه حمام واقع در برجستگی شمالی قله زیر قلعه دختر شوراب گناباد شباهت داشت و هم زمان با آن یعنی مربوط به دوره ساسانی به نظر می‌رسید.

این تپه‌ها و نقاط بین آنها از طرف مغرب، به اراضی قریه نوده پشن و مزرعه اروک محدود است، و از طرف مشرق به صورت دشت به نسبت هموار و وسیعی درمی‌آید و در چند کیلومتری به تعدادی قله منفرد و متصل می‌پیوندند.

وجود شهر باستانی پشن را دلایل ذیل تایید می‌کند:

اول: قریه نوده پشن که به احتمال قوی نام خود را از شهر باستانی پشن، گرفته است این قریه در غرب ویرانه‌های فوق الذکر واقع و قسمتی از اراضی مزروعی آن تقریباً وصل به ویرانه‌ها است. بعضی از مؤلفین در معرفی این قریه که دارای ۵۸۶ نفر جمعیت می‌باشد<sup>(۱)</sup> اشاره به شهر قدیم پشن نیز کرده‌اند.<sup>(۲)</sup>

دوم: قطعات سفال واقع در سطح تپه ها و نقاط بین آنها که مورد ملاحظه مسوول فرهنگ و هنر محل و بعضی متخصصین قرار گرفته و مربوط به دوره‌های تمدنهایی از هزاره سوم پیش از میلاد تا قرون اولیه اسلامی به نظر رسیده است.

۱- جمعیت نوده پشنگ طبق سر شماری ۱۳۶۵ ، ۱۴۲۰ نفر می‌باشند. حسین پو ابراهیم، همان کتاب، ضامم.

۲- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۶۸.

سوم: نام تپه نقاره‌خانه که احتمالاً محل شیپورچیهای لشکر و یا سربازخانه بوده و همچنین نام تپه اروک که احتمالاً شکل تغییر یافته کلمه «ارگک» یعنی ارگ کوچک و حاکی از وجود قلعه‌ای در این محل است.

وجود اثر دیوار آجر و ساروجی مجاور آن تپه و شباهت آن از نظر مصالح، بعضی از قطعات ساختمانی قلعه دختر شوراب گناباد، منسوب به دوره ساسانی نیز قرینه‌ای بر قدمت این ویرانه‌ها است.

چهارم: اشعار شاهنامه فردوسی درباره جنگ ایرانیان و تورانیان در دشت پشن که چگونگی اعزام طوس، سردار باستانی از طرف کیخسرو به توران، زمین را با نقل تعدادی از اشعار شاهنامه در "قلعه فرود گناباد همین کتاب مطالعه نموده‌اید، هنگام عزیمت طوس، کیخسرو به او توصیه نموده راه بیابان را در پیش گیرد و از کنار قلعه کلات که مسکن فرود، برادر پدری او است عبور نکند، ولی طوس معبر کلات را انتخاب و با فرود برخورد کرد و در نتیجه فرود و طرفدارانش به قتل رسیدند. پس از این حادثه طوس و لشکریان ایران به سوی توران زمین حرکت کردند.

چو طوس سپهد ز جنگ فرود

به پرداخت و آمد از آن گه فرود

سه روز درنگ آمد، اندر چرم

چهارم برآمد ز شیپور، دم

....

سپه برگرفت و بزد نای و کوس

زمین کوه تا کوه گشت آبنوس

هرآن کس که دیدی ز توران سپاه

به کشتی فکندی تنش را به راه



و در جریان مسافرت گرفتار باریدن برف شدند و رزمهای پراکنده نمودند.  
افراسیاب از حرکت طوس و سپاه او آگاه شد.

تژا و غمی با دودیده پرآب  
چو آمد به نزدیک افراسیاب  
چنین گفت کامد سپهدار طوس  
یکی لشکر آورد با بوق و کوس  
چو بشنید افراسیاب این سخن  
غمی گشت و پس چاره افکند بن  
و پیران ویسه را به جنگ او فرستاد.

به پیران ویسه چنین گفت شاه  
که گفتم بیاور زهر سو سپاه  
سپهدار پیران هم اندر شتاب  
برون آمد از پیش افراسیاب  
ز هر مرز مردان جنگی بخواند  
سلیح و درم دار و لشکر براند  
ویسه و لشکریانش در دشت پشن بر ایرانیان شیخون زدند:  
به لادن که آمد سپاه گشن  
شیخون ز پیران به جنگ پشن  
و عده زیادی از آنان را کشتند و پیروزی نصیب تورانیان گشت:  
وزان جایگه سوی ایران سپاه  
برفتند برسان ابر سیاه  
همه مست بودند ایرانیان  
گروهی نشستند گشاده میان

سپیده چو برزد سر از برج شیر  
 به لشکر نگه کرد گیو دلیر  
 همه دشت از ایرانیان کشته دید  
 سر بخت بیدار، برگشته دید  
 کیخسرو، طوس را باز خواند و فریبرز، جانشین او، یک ماه درنگ خواست و  
 بالاخره با سپاه ایران به نزد خسرو مراجعت کرد.

بر شاه باید شدن بی‌گمان  
 به‌بینم تا برچه گردد زمان  
 اگر جنگ فرمان دهد شهریار  
 به‌سازد یکی لشکر نامدار  
 بدین رای از آن مرز گشتند باز  
 همه دیده پر خون و دل پرگداز  
 کیخسرو، بدو طوس را خوار نمود و بعداً او و ایرانیان را بخشید، و مجدداً  
 طوس را به توران فرستاد.

خاطره جنگ پشن، که در بعضی دیگر از اشعار شاهنامه.  
 تو دانی که من روز جنگ پشن  
 چه کشتم به آن رزمگاه گشن  
 توسط برخی دیگر از شاعران نیز یادآوری شده به نحوی قدمت شهر پشن را  
 تصریح می‌نماید.

چو عارض تو ماه نباشد روشن  
 مانند رخت گل نبود در گلشن

مژگان‌ت همی گذر کند از جوشن

مانند سنان گیو در جنگ پشن<sup>(۱)</sup>

### مزار بیمرغ:

بیمرغ یا بویمرغ یکی از قراء پسکلوت است و از مرکز گناباد حدود ۲۵ کیلومتر فاصله دارد که حدود ۸۰۰ نفر جمعیت دارد. (در فرهنگ آبادیهای کشور، جلد پنجم، بهمن ۱۳۴۷، صفحه ۳۰ جمعیت این قریه به نام (بیمورق) ۷۹۰ نفر ذکر شده است.)<sup>(۲)</sup> یک بنای تاریخی وجود دارد این بنا، مشهور به مزار امامزاده احمد، فرزند موسی بن جعفر (ع) و منسوب به دوره صفوی است.

تاریخ قدیمی موجود در این مزار روی لوحی سنگی و مشتمل بر چهار سطر بوده که تعدادی از کلمات آن توسط آقای علی اکبر مروجی، خادم مزار مزبور، استخراج و طی یادداشت مورخ ۱۳۴۹/۴/۱۹ برای نگارنده ارسال شده است بر طبق یادداشت در سطر اول لوح مزبور کلمات: «در زمان دولت شاه ملایک پاسبان شاه عباس حیدر حسینی» و در سطر چهارم کلمات «به توفیق حضرت بانی به اتمام رسید، فی سنه ۲۰۵۱» خوانده شده ولی سنه ۲۰۵۱ درست به نظر نمی‌رسد و شاید در رقم چهارم به جای «۱»، «۲» خوانده شده است. اضافه بر آن عبارت سطر اول با سال ۱۰۵۱ نیز مطابقت نمی‌کند، زیرا اگر شاه عباس مندرج در سطر اول لوح مزبور،

۱- امیرالشعرا رضاقلیخان، متخلص به هدایت، فرهنگ انجمن آرای ناصری انجمن سیم، جمادی‌الآخر ۱۲۸۸.

۲- جمعیت این روستا بر طبق سرشماری سال ۱۳۶۵، ۱۲۲۲ نفر می‌باشد. حسین پوراابراهیم، همان کتاب، ضمام

شاه عباس کبیر باشد، او در سال ۱۰۳۸ هجری درگذشته است.<sup>(۱)</sup> و اگر شاه عباس دوم باشد او در سال ۱۰۵۲، یک سال پس از نوشته شدن لوح به سلطنت رسیده است.<sup>(۲)</sup>

بنابراین چنانچه در سه رقم اول سنه، اشتباه نشده باشد، می توان تصور کرد که مزار امامزاده احمد (ع) در زمان شاه عباس کبیر (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ) شروع و در (۱۰۵۱ هـ) به اتمام رسیده است.

تاریخ دیگری که در این بنا وجود دارد مربوط به تعمیر آن توسط حاج حسنعلی بیگ گنابادی در اواخر قرن سیزدهم هجری است که در روی سنگی حک و در بالای مدخل آن نصب گردیده است. نوشته های این سنگ نیز توسط آقای مروجی در تاریخ ۱۳۴۹/۴/۱۸ استخراج و برای نگارنده ارسال که به شرح زیر است:

به روزگار شهنشاہ دین پناه موید  
 که هست ناصرالدین خدا و ملت احمد  
 سلاله الحاج حاجی حسنعلی است که باشد  
 خجسته نائب فرخنده بلوک گناباد  
 بجست زائر بیت الحرم کسب از آن پس  
 گماشت همت مردانه را بخیر مجدد  
 چو بود منهدم از اقتضای گردش گیتی  
 ببوی مرغ مزار امامزاده احمد

۱- کلیفورد ادموند بورث، سلسله های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران ۱۳۴۹، صفحه ۶۶  
 ۲- طبق مندرجات صفحه ۶۹۵، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه (تعریف حسن پیرنیا مشیرالدوله، عباس اقبال آشتیانی، با شرح آقای باستانی پاریزی) شاه عباس دوم صفوی در پانزدهم صفر ۱۰۵۲ به تخت سلطنت ایران جلوس کرد.

برادر شه مسموم مقتدای خراسان  
 ز نسل موسی کاظم ز آل پاک محمد  
 به این نیکویی تعمیر کرد و داد بلندی  
 که نام نیک به ماند از او به دهر مؤید  
 به دستیاری پیر خرد به کلک هندور  
 حبیب از پی تاریخ سال کرد رقمزد  
 چو هست در غرفات بهشت مسکن بانی  
 بدیبه از پی تاریخ سال «غرفه» برآمد

این بنا در یک محوطه چهارگوش به ابعاد:

ضلع شمالی ۳۱ متر

ضلع جنوبی ۳۵ متر

ضلع شرقی ۹۰ متر

ضلع غربی ۸۱ متر

و در روی یک سکوی هشت گوش آجری به ارتفاع یک متر قرار گرفته است. نقشه بنا، مانند سکوی زیر آن، هشت گوش غیرمنتظم و در حقیقت مربعی است که چهار گوش آن بریده و سطحی با چهار ضلع بزرگ در چهار جهت اصلی و چهار ضلع کوچک در چهار جهت فرعی ایجاد کرده باشد. اضلاع اصلی و فرعی نیز هریک اندکی با دیگری تفاوت دارد ولی به طور متوسط طول اضلاع بزرگ حدود  $7/5$  و طول اضلاع کوچک  $5/5$  متر است و با توجه به ضخامت دیوارها و طول ایوانهای جهات اصلی، اندازه هریک از اضلاع مربع اصلی زیر بنا حدود ۱۵ متر است.

در این نقشه هشت گوش و یا در حقیقت مربع گوش بریده، قطعات ذیل قرار

داشته است:

- ۱- یک تالار مربع ضلع  $۶/۶۰$  متر در وسط
  - ۲- چهار درگاه، هر یک به پهنای بیش از یک متر در چهار ضلع تالار مربع
  - ۳- چهار ایوان هر یک به پهنای حدود  $۳/۷۵$  و عمق بیش از  $۲/۵$  متر در چهار جهت اصلی.
  - ۴- چهار ایوان هر یک به پهنای بیش از  $۳$  و عمق بیش از  $۲/۲۵$  متر در گنج بنا.
  - ۵- چهار کثیر الاضلاع نامنظم و نامرتب  $۱۵$  ضلعی که در بین، هشت ایوان و چهار درگاه مزبور قرار داشته و در عین حال دیوار تالار مربع را مشخص می‌کند.
  - ایوان ضلع غربی فعلاً دارای  $۳۵$  سانتی متر عمق (طول) و فاقد درگاه است، و احتمالاً بعد از اتمام بنا، به صورت اتاق مستطیلی، مجزا گردیده است.
  - ۶- محل پلکان بنا که در ته ایوان جنوب غربی منظور گردیده است.
- مزار امامزاده احمد (ع) رویهمرفته از نظر شکل یک مقبره برجی هشت ضلعی و مشتمل بر قسمتهای ذیل است:
- ۱- چهار پایه که اضلاع خارجی آنها به ترتیب حدود  $۱/۷۵$  و  $۱/۲۵$  متر و به عبارت دیگر اضلاع مجاور ایوانهای چهار جهت اصلی بلندتر و اضلاع مجاور ایوانهای واقع در چهار گوشه کوتاهتر است. در سطح خارجی این پایه‌ها، سه ردیف سوراخ با دهانه مربع برای، چوب بست، منظور شده است.
  - ۲- هشت ایوان با قوسهای جناغی، شبیه به ته کشتی که راجع به پهنای و بلندی آنها، در مورد نقشه، صحبت شد و ارتفاع آنها، از کف تا زیر طاق. در جهات اصلی حدود  $۵/۵$  و در جهات فرعی حدود  $۵$  متر است. سطح پایه‌ها قریب ده سانتی متر (زه) و قوس ایوانها برجسته است و با این ترتیب به نظر می‌رسد که ایوان در یک نغول مستطیل قرار داده شده است. در بالای نغولهای مزبور و انتهای پایه‌ها، یک حلقه قرنیز آجری به ارتفاع  $۷۵$  سانتی متر که قریب ده سانتی متر جلو آمده، تعبیه گردیده است.

آجرهای سطوح پایه‌ها افقی و آجرهای قرنیز عمودی و آجرهای طرفین قوسهای ایوانهای افقی و عمودی (خفته و راسته) کارگذارده شده و اضافه بر آن یک ازاره، با آجرهای عمودی به ارتفاع حدود سی سانتی متر، کف ایوانها را از سطح سکو مشخص کرده است.

گنبد بنا، با توجه به روش معمول در ایران باستانی و اسلامی و با کف گوشوار صورت گرفته است. و از طرف بیرون برفراز یک منشور هشت ضلعی به اندازه هر ضلع  $3/10$  و ارتفاع  $0/80$  متر، استوار گشته و بلندی آن به حدود چهار متر می‌رسد. بلندی این گنبد تقریباً نوک تیز، نسبت به قسمت اصلی بنا، که ارتفاع آن بیش از هفت متر است، کوتاه به نظر می‌رسد و شاید می‌خواسته‌اند در فرصت مناسب، مانند سایر بقاع دوره صفوی، گنبد دیگری در آن قرار دهند و موقتاً میله ستون شکلی بر نوک آن قرار داده‌اند. طاق درگاه شمالی افقی و طاق مدخل جنوبی و همچنین پلکان منحنی است.

داخل بنا را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد:

اول: دیوارها که شامل چهار درگاه است و از پایین به بالا دارای چهار قسمت مزین است.

۱- یک سطح نقاشی شده به ارتفاع یک متر.

۲- یک حاشیه مزین به اسلیمی به ارتفاع  $0/80$  سانتی‌متر.

۳- یک قرنیز به ارتفاع  $0/40$  سانتی‌متر.

دوم: منطقه تغییر حالت از مربع به مدور به ارتفاع حدود  $2/5$  متر که شامل چهار گوشوار و نقاط بین گوشوارها است.

سوم: گنبد، که در بالا بیضی شکل به نظر می‌رسد و حدود سه متر ارتفاع دارد.

مصالح بنا رویهمرفته ساده و صرفنظر از نگولها، قرنیز و زه‌ها، عبارت است از:

- ۱- اندودگچ سفید که داخل ایوانها و تالار مربع را پوشانیده است.
- ۲- مقرنس‌های ساده و یا گره‌بندیهای گچی که در سقف ایوانهای جهات اصلی و گوشوارهای داخل تالار مربع تعبیه شده است.
- ۳- سطوح نقاشی شده و حاشیه‌های اسلیمی که با رنگ سبز پسته‌ای و قهوه‌ای ترتیب داده‌اند.
- ۴- کاشیکاری سطح خارجی گنبد که به مرور زمان ریخته و تقریباً از بین رفته است.

### رابطه بنا با بناهای قبل و بعد از آن:

بنای مزار بیمرغ از نظر نقشه و شکل و مصالح شباهت فوق‌العاده به مقبره جغتین گیسور گناباد، مربوط به دوره مغول دارد و به احتمال قوی از آن الهام یافته است. تفاوت مختصری که به نظر می‌رسد مربوط به طول (عمق) ایوانهای واقع در گوشه‌های بنا است به این معنی که در هر یک از گوشه‌های مقبره جغتین یک طاق نما به عمق ۵۰ سانتیمتر منظور شده ولی در گوشه‌های مزار بیمرغ ایوانهایی به طول ۲/۵ متر تعبیه گردیده است. طبعاً به همین جهت است که استخوان‌بندی مقبره جغتین گیسور ظریف‌تر و دقیق‌تر از مزار بیمرغ به نظر می‌رسد.

به هر حال بنای مزار بیمرغ نمونه دیگری از تداوم معماری ملی و علاقه به سنتهای تاریخی ایران است زیرا:

الف: اساس نقشه آن مربع و به عبارت دیگر صلیبی است که بازوهای آن را چهار درگاه و ایوانهای جلو آنها تشکیل می‌دهد و این گونه نقشه از دوران باستان تا عصر حاضر در ایران به کار رفته و می‌رود که به چند نمونه اشاره می‌شود:



- ۱- نقشه تالار کاخ نیشابور فارس مربوط به زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱)<sup>(۱)</sup>
  - ۲- نقشه چهار طاق قصر شیرین، منسوب به زمان خسرو پرویز (۶۲۵-۵۹۰)<sup>(۲)</sup>
  - ۳- نقشه آرامگاه امیراسماعیل سامانی (۲۹۵-۲۷۹ هجری) در بخارا<sup>(۳)</sup>
  - ۴- نقشه مقبره زیارتی بجنورد مربوط به دوره مغول.<sup>(۴)</sup>
  - ۵- نقشه مقبره امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ هجری) در سمرقند<sup>(۵)</sup>
  - ۶- نقشه آرامگاه کریم خان زند (۱۱۹۳-۱۱۶۳ هجری) در شیراز<sup>(۶)</sup>
  - ۷- نقشه شبستان بزرگ جنوبی مسجد سپهسالار در تهران مربوط به اواخر قرن سیزدهم هجری.<sup>(۷)</sup>
- ب: در سقف مدور این مزار از گوشوار استفاده شده است. این عامل ساختمانی و تزئینی مدت چهار قرن در معماری دوره ساسانی متداول بوده و در سراسر دوران اسلامی در جریان تقلید و تحول قرار گرفته است.
- به عبارت دیگر مزار بیمرغ از نظر گنبد و عنصرهای اصلی ساختمانی با بناهای قبل و بعد از آن، از جمله اکثر بناهای فوق‌الذکر پیوستگی کامل دارد.
- ج: در مزار بیمرغ ایوانها، طاق‌نماها، قوسهای جناغی و نغولهای به کار رفته

۱- Edith Porada, *Iran ancien. Paris, 1963, P.194. Fig 104*

۲- *Idem . Asurrey of Persian Art , T.1, P.553 . fig 158*

۳- *A.U.Pope, Asurrey of Persian Art, V.II, London, P.948.*

۴- دونالدن. ویلبر. *معماری اسلامی ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران ۱۳۴۶، صفحه ۱۴۲ و نقشه

شماره ۱۸

۵- *Idem . Asurrey of Persian Art, P.1152.*

۶- محمدتقی مصطفوی، اقلیم پارس، تهران، ۱۳۴۳، صفحه ۵۸-۵۹

۷- ابوالقاسم سحاب، *تاریخ مدرسه عالی سپهسالار*، تهران ۱۳۲۹

است. این عناصر نیز در معماری قبل و بعد از اسلام در ایران مورد استفاده بوده و بیشتر بناها، که به شباهت نقشه آنها، با نقشه مزار بیمرغ اشاره گردید و همچنین در مثالهای زیر وجود دارد:

۱- کاخ آسور منسوب به دوره اشکانی (۲۲۴ م. ۲۵۰ ق. م) فعلا واقع در بین‌النهرین شمالی، که دارای چند ایوان است و در تمامی آن طاق نما و نغول‌های زیبا وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

۲- طاق کسری منسوب به زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱ م) فعلا واقع در بین‌النهرین که عبارت از ایوان عظیمی است و در جبهه اصلی و طرفین آن پنج ردیف افقی طاق‌نماهای روی هم تعبیه گردیده است. در پشت دیوار این نیز طاق‌نماهایی با قوسهای جناغی ترتیب داده شده بود.<sup>(۲)</sup>

۳- گنبد سرخ مراغه مورخ ۵۴۲ هجری که در خارج آن نماها و نغولهای روشن نشان داده شده است و در جبهه مدخل یک طاق‌نمای زیبا با قوس جناغی احداث گشته است.<sup>(۳)</sup>

۴- ایوان شمالی مسجد جامع گناباد، مورخ ۶۰۹ هجری، که در نمای دیوار طرفین آن، دو جفت نغول به ترتیب و متناوب از پایین به بالا ساخته شده است. د: مصالح عمده مزار بیمرغ آجر و گچ است و این دو نوع مصالح به کثرت در بناهای قبل و بعد از اسلام ایران به کار رفته و می‌رود.

ه: مزار بیمرغ در روی سکو قرار گرفته است. سکوی زیر بنا از دوران باستان در ایران و سایر کشورهای همسایه آن معمول بوده و مثالهای زیر از آن جمله است: تخت جمشید، مربوط به دوره هخامنشی.<sup>(۴)</sup>

۱- *Idem . Asurrey of Persian Art, P.1152*

۳- *Idem. Pl . 289 and 290.*

۲- *Idem. Pl. 149 and 159.*

۴- هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی، ترجمه دکتر عیسی بهنام، تهران ۱۳۴۶، صفحه ۱۴۹-۱۴۸

قصر شیرین، مربوط به دوره ساسانی. (۱)

کاخ چهل ستون، مربوط به دوره صفوی. (۲)

کاخ خورشید مربوط به زمان نادر شاه افشار. (۳)

و : در داخل مزار بیمرغ از نقش اسلیمی چپ و راست استفاده شده است.  
این نقش در اکثر رشته‌های هنری دوره ساسانی : حجاری، فلزکاری، بافندگی و غیره  
به کار رفته و در گچ‌بریهای کاخ تیسفون<sup>(۴)</sup> و سینیهای فلزی موجود و مربوط به آن  
دوره دیده می‌شود. (۵)

---

۱- Edith Porade : *Iran ancien* , P.192fig.102.

۲- A.U.Pope, *Asurrey of persian Art*, V.4, pl.477.

۳- دکتر پرویز ورجاوند، *مجله باستان شناسی و هنر ایران*، شماره چهارم، ۱۳۴۸ صفحه ۶۵.

۴- *Idem. Asurrey of persian Art*, Pl.171H.

۵- *Idem. Pl.204.*



# ع

## قلعه دختر شوراب گناباد

دختری که قلعه به نام او است، همان ناهید، الهه آب و برکت و زیبایی است، که مورد پرستش ایرانیان قدیم بوده و در کشورهای مجاور ایران به نام و نحو مشابه مورد توجه بوده است.

وجود ده (بیدخت) و نام آن ده وجه تسمیه قلعه دختر را به روشنی توجیه می‌کند. بیدخت و مخفف آن (بدخت) یعنی (بغ)، (دخت) و به طور بهتر دختری که (بغ) است و خدا است.

بدخت مترادف کلمه ناهید و گاهی با آن همراه یک کلمه مرکب (بدخت آناهید است).<sup>(۱)</sup>

استاد پورداد می‌گوید:

«نگارنده باید اضافه کند که لقب بدخت را معالم‌التنزیل برای ناهید آورده و چنانچه خواهیم گفت حبیب‌السیر نیز نقل کرده است.»

بر طبق مندرجات تفسیر خواجه عبدالله موسوم به (کشف الاسرار و عده الابرار) این موضوع به این ترتیب:

«نام وی به زبان عرب زهره و به زبان عجم آناهید و به زبان نبطی بیدخت» بیان گردیده است.<sup>(۱)</sup>

بنابراین بنای نامبرده نیز مانند بسیاری از بناهای قدیمی و تاریخی همانند آن به نام قلعه دختر خوانده شده است.

### موقعیت و نقشه تقریبی

قله‌ای که قلعه بر فراز آن ساخته شده، بصورت قبه سه‌پری است که چون پرشمالی آن کوتاهتر و پرهای جنوب شرقی و جنوب غربی آن طویل‌تر است، می‌توان آن را چون یک هلال ماه پشت به شمال و رو به جنوب فرض نمود. در روی این هلال از شرق به غرب سه برآمدگی وجود دارد، و در هر سه برآمدگی آثار ساختمانی دیده می‌شود.

### برآمدگی شرقی.

این قسمت پایین‌تر از برآمدگیهای شمالی و غربی بود و به منزله مدخل قلعه محسوب است. در ابتدای این برآمدگی که ادامه سنگی و پشت ماهی آن تا دشت ادامه دارد، یک برج مدور به قطر شش متر وجود دارد که احتمالاً جای نگهبان بوده است. از شرق و غرب این برج دو دیوار در جهت شمال شرقی و شمال غربی، یعنی در لبه‌های خارجی و داخلی هلال به برآمدگی شمالی منتهی می‌شود.

طول دیوار شرقی بیش از چهل متر و طول دیوار غربی حدود بیست و پنج متر است و در بین دو دیوار، وصل به دیوار غربی، بناهای زیر وجود داشته است:

۱- یک راهرو مسقف که به برآمدگی شمالی مربوط بوده و در عین حال آب هر دو برآمدگی را با شیب نسبتاً تندی به خارج هدایت می کرده است. عرض این راهرو، دو متر و ضخامت دیوارهای طرفین آن تقریباً ۱/۵ متر است.

۲- دو نیم برج مدور که دیوار غربی را تقویت می کرده است و از سمت غرب، برج مدور چون سه نیم برج و با فاصله‌های مساوی به نظر می رسد. در طرفین نیم برج اول یا در واقع برج وسط، دو رشته پلکان دیده می شود که با عرض ۱/۱ متر از داخل آن به راهرو مسقف وارد و بالاخره به سطح برآمدگی منتهی می گردد.

۳- اطاقهای بین دیواره شرقی و راهرو مسقف که وضع آن به خوبی روشن نیست، ولی در دیوار کنار راهرو مسقف، شش پایه هر یک به فاصله چهار متر از دیگری دیده می شود که احتمالاً دیوار اطاقها در پشت آنها قرار داشته است.

### برآمدگی شمالی:

این قسمت، از برآمدگیهای شرقی و غربی مرتفع تر است دیوار شرقی آن حدود هفت متر در جهت شمال و سی متر در جهت شمال غربی پیش می رود، و به یک برج مدور به قطر شش متر منتهی می شود، در خارج این دیوار پرتگاه عمیق و خطرناکی وجود دارد. بناهای این برآمدگی نسبت به وضع موجود چون مستطیلی است، که با برج تقویت شده باشد و برای تشخیص قطعات مختلف احتیاج به کاوشهای علمی دارد. اضافه بر برج مدور و دیوارها، اثر جالب توجه این قسمت حوض و احتمالاً خزانه مستطیل حمامی بطول ۷ و عرض بیش از ۲/۵ متر است، که دارای گوشه‌های بریده است.

دیوار شرقی و قسمتی از دیوار جنوبی آن سنگی و بقیه از آجر و ساروج

است. این برآمدگی تقریباً مدور به قطر حدود چهل متر است، بین این برآمدگی غربی فاصله‌ای به مساحت (۳۰×۳۰) متر وجود دارد، که چون سد دیوار سنگی در جنوب آن وجود دارد به احتمال قوی مصنوعاً برای تسهیل عبور و مرور و اتصال قسمت دوم به قسمت سوم قلعه ساخته شده است.

### برآمدگی غربی:

این قسمت وسیعتر و مفصلتر از برآمدگیهای شرقی و شمالی و عبارت است

از:

- ۱- قسمت اصلی که در یک دیوار سنگی به ضخامت دو متر محصور و با برجهای مدور و نیمه مدور تقویت شده است و دارای تالارها و اطاقهای وسیع است. مجموعه برجها و فضاها بین آنها به خوبی اهمیت این قسمت را بیان می‌کند.
  - ۲- جناح شمالی که متکی به دیوار قسمت اصلی است و احتمالاً برای استحکام و تقویت ضلع شمالی آن ساخته شده است.
  - ۳- جناحهای جنوبی و غربی که فعلاً به صورت محوطه‌های شیب‌دار مشاهده می‌شود و با برج و بارو محصور بوده است و به علت سقوط قسمتهای بالا وضع ساختمانی آن به خوبی روشن نیست.
- اضافه بر ساختمانهای روی سه برآمدگی مذکور در شیب سمت غربی اثر چند بنای منفرد که احتمالاً آب انبار بوده و یا برای مصارف دیگر ساخته شده است، به چشم می‌خورد و بقایای یک دیوار که در قعر دره، در جهت شرق و غرب ساخته شده است. در وسط این دیوار و درست در قعر دره مدخل گشادی دیده می‌شود و احتمال می‌رود که از آنجا به پای پلکان دو طرفی برآمدگی شرقی صعود می‌کرده، و وارد قلعه می‌شده‌اند.



## طرح بنا و مصالح آن:

در حال حاضر هیچگونه سقفی در بناهای قلعه دختر دیده نمی شود و فقط در راهرو مسقف برآمدگی شرقی پایه یک سقف گهواره‌ای و در جنوب آب‌انبار برآمدگی شمالی بقایای آجری، سقفی که به انتهای دیوار متصل است وجود دارد و نشان می دهد که سقف قطعات مستطیل گهواره‌ای بوده است. صرفنظر از سقف‌ها می توان طرح و مصالح دیوارها را به شرح زیر بیان کرد:

در برآمدگی شرقی: این قسمت به طوریکه یادآوری شد عبارت است از: یک برج مدور با ارتفاع ۳ و قطر ۶ متر از سنگ و ساروج در نیم برج مدور با ارتفاع کمتر و قطر مساوی با برج مذکور از سنگ و ساروج دورشته پلکان سنگی به عرض ۱/۱ متر که از داخل نیم برج اول به راهرو و سطح قله راه می دهد. راهرو مسقف که دیوار طرفین آن سنگی است و ارتفاع پایه‌های کنار آن ۱ تا ۲ متر است.

در برآمدگی شمالی: برج و دیوارهای این قسمت نیز کلاً از سنگ و گچ و ساروج و دارای ارتفاع بیشتری است. و به زحمت پایه بعضی سقفهای گهواره‌ای به چشم می خورد، و به طوریکه قبلاً گفته شد و در پوشش آب‌انبار یا خزانه حمام، آجرهایی به ضلع حدود ۳۰ و ضخامت ۶ تا ۷ سانتی متر به کار رفته است.

فاصله بین برآمدگی شمالی و غربی: در جنوب این قسمت بقایای چنددیوار سنگ و ساروجی به ارتفاع ۳ تا ۴ متر وجود دارد که احتمالاً برای تأمین ارتباط دو برآمدگی بوده است.

در برآمدگی غربی: فرم و مشخصات برجها و دیوارهای این قسمت نیز مشابه دو قسمت دیگر و از سنگ و ساروج است ولی دارای تشکیلات مفصلتر و غالباً ارتفاع بیشتری است. اضافه بر آجرهای دیوار و قسمتی از سقف آب‌انبار برآمدگی

شمالی، در سطح قلعه آجرهای پراکنده‌ای وجود دارد و این تصور که سقف بناها آجر بوده است بوجود می‌آورد.

### دلایل تاریخی:

قلعه دختر شوراب گناباد از قلاع مفصل دوره ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی) و مرکب از سه قسمت است، شاید جز، قلعه دختر کرمان نظیری نداشته و در صورت کاوشهای دقیق علمی عظمت آن بخوبی روشن خواهد شد. دلایل انتساب آن به دوره ساسانی به قرار زیر است:

۱- از نظر موقعیت؛ اکثر قلاع دختر منسوب به دوره ساسانی در کنار راههای مهم و فراز قله‌ها ساخته شده است. دکتر باستانی پاریزی در این مورد می‌گوید:

«مشخصات ابنیه دختر در دو سه خط خلاصه می‌شود: همه بر بلندیا و نقاط صعب العبور قرار دارد. اغلب بنای مربوط به قبل از اسلام و خصوصا عهد ساسانی می‌باشد؛ بیشتر جنبه تقدس و عبادتی دارند، قلاع دفاعی معتبری بوده و بالاخره، همه دارای یک غموض ابهام‌آمیز درباره تسمیه خود هستند.»<sup>(۱)</sup>

۲- از نظر نقشه و طرح: اطاقها و تالارهای مربع و مستطیل و آب‌انبار و حمام و به خصوص برج و بارو از عناصر مشخصه معماری دوره ساسانی است. تالارهای مربع و مستطیل در اکثر بناهای دوره ساسانی از جمله کاخ فیروزآباد، کاخ سروستان، قصر شیرین و قلعه دختر فیروزآباد وجود دارد.<sup>(۲)</sup> راهرو و مسیر آب نیز در بناهای آن دوره از جمله قلعه دختر کرمان هم اکنون مشاهده می‌شود.<sup>(۳)</sup>

۱- باستانی پاریزی، همان کتاب، صفحه ۲۳۰

۲- A. Godard, *L'art de l'Iran*, Paris, 1962. PP. 221 et 222

۳- باستانی پاریزی، همان کتاب، صفحه ۲۱۵

پلکان دوطرفی محوطه قصر شیرین و پلکانی که دروازه قلعه دختر فیروزآباد را به داخل آن مربوط می‌کرده دلیل این مطلب است.<sup>(۱)</sup>

۳- از نظر مصالح: در اکثر بناهای دوره ساسانی به خصوص اوایل آن دوره سنگ و قلوه سنگ و همچنین آجر به کار می‌رفته و با گچ و ساروج ملاط و اندود می‌شده است. کاخ اردشیر و قلعه دختر فیروزآباد و کاخ نیشاپور و کاخ سروستان دلیل این مدعاست.

لوئی و اندنبرگ، در کتاب «باستانشناسی ایران باستان» ترجمه دکتر عیسی بهنام به این ترتیب از دو بنای، اول یاد می‌کند.

«الف:..... کاخ اردشیر در شمال فیروزآباد قرار گرفته و با سنگ پاره و آهک ساخته شده.

ب: قلعه دختر، روی تپه سنگی، در کنار رودخانه تنگاب ساخته شده ابتدا «تختگاهی»

ترتیب داده شده و روی آن تعدادی انبیه با سنگ تراشیده و آهک ساخته شده.»<sup>(۲)</sup>

پرفسور پوپ امریکایی درباره کاخ فیروزآباد می‌گوید: دیوارهای کاخ شهری

فیروزآباد از قلوه سنگهای ناهمواری بود که با ملاط به هم اتصال یافته و اندود شده بود.

وی درباره قلعه دختر می‌گوید: یک کاخ برج و بارودار کوچکتر در قلعه دختر، توسط

اردشیر احتمالاً چند سال زودتر ساخته شده است.<sup>(۳)</sup>

او در مورد کاخ بیشاپور می‌گوید: تالار بارعام اطاق بزرگی به مساحت ۷۲ پای مربع

مسقف به گنبدی به ارتفاع ۸۰ پا بود، چهار پهلوی این اطاق تزیینی از دیوارهای سه گانه است از

سنگ و قطعات آجر با ملاط ساخته شده و آرایش گچ‌بری این کاخ یکی از بهترین نمونه های

*L'influence de l'art sassanide sur l'art isiamigue, par l'auteur, paris, -۱*

1965. P.19.

۲- لوئی و اندنبرگ، باستانشناسی ایران باستان، ترجمه دکتر عیسی بهنام

۳- پوپ، معماری ایرانی، ترجمه غلامحسین صدری افشار، احمد ایرانی، تهران، آبان ۱۳۴۶،

صفحه ۵۴ و ۵۰

تزیینات درونی کاخهای ساسانی است.<sup>(۱)</sup>

۴- از نظر برجهای تقویتی: یکی از دلایل مهم دیگر وجود برجهای مدور و نیمه‌مدور است که در بناهای دوره ساسانی معمول بوده است، در این مورد می‌توان مثالهای زیر را ذکر کرد:

اول؛ حصار دو شهر استخر منسوب به دوره ساسانی و قبل از آن پرفسور گیرشمن در این مورد می‌گوید:

برجهای مدور این حصار به نظر می‌رسد که در مشرق ایران، از عهد امپراطوری مورد توجه مخصوص بوده.<sup>(۲)</sup>

دوم؛ حصار شهر تیسفون منسوب به زمان شاپور اول ساسانی (۲۷۲-۲۴۱ م) روتر باستانشناس آلمانی در اولین گزارش حفاری خود در تیسفون از برجهای تقویتی نیمه‌مدور آن نام می‌برد.<sup>(۳)</sup>

سوم؛ حصار قلعه دختر فیروزآباد در کتاب خاتون هفت‌قلعه با اشاره فارسانه‌ناضری این طور نوشته شده است:

«قلعه دختر فارس در شش کیلومتری شهر کنونی فیروزآباد (گور سابق) میانه فیروزآباد و بلوک خواجه قرار دارد و بارویی و چندین برج از سنگ و گچ ساخته، آن را قلعه دختر گویند.»<sup>(۴)</sup>

چهارم: از نظر آجر و سفالهای سطح قله پاره‌آجرها و آجرهای معدودی که در سطح برآمدگیها و آب‌انبار یا خزانة حمام مشاهده می‌شود از نظر ابعاد و رنگ با آجرهای دوره ساسانی مشابه است قطعات بسیار محدود سفالهای موجود در سطح قله و لعاب آبی ترک‌خورده آن نیز سفالهای دوره ساسانی را به خاطر می‌آورد

۱- پوپ، همان کتاب، صفحه ۵۶

۲- گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، ۱۳۴۶، صفحه ۳۲۷-۳۲۶

۳- *Idem, l'influence de l'art sassanide sur, l'art islamique. P. -۳*

۴- باستانی پاریزی، همان کتاب، صفحه ۲۰۴

به نظر می‌رسد که بناهای برآمدگی شرقی برای پاسداران و سکونت ملازمین مورد استفاده بوده و بناهای برآمدگی شمالی که مرتفع‌تر است، مقر حاکم قلعه و بناهای برآمدگی غربی که وسیع‌تر آرام‌تر است، محل معبد و برگزاری مراسم مذهبی و اعیاد بوده است.



# ۵

## مقبره جغتین در گیسور گناباد

قریه گیسور در ۷۲ کیلو متری شمال شرقی گناباد واقع است، گیسور در نزدیک کوههای کبیر (مرز شاهی)<sup>(۱)</sup> قرار دارد، یکی از آبادیهای کنار این معبر بوده و نام آن که بر طبق اظهار استاد بهرام فره‌وشی به معنی جای آتش یا آتش کیانی است،<sup>(۲)</sup> قدمت آن را توجیه می‌کند

در قریه گیسور اکنون چهار اثر تاریخی وجود دارد:

۱- قلعه جدید گیسور که هم‌اکنون مورد استفاده مردم است و در حدود دویست سال قبل توسط حاجی حسنعلی بیک، پدر مظفرالسلطان گنابادی ساخته شده است.

۲- قلعه قدیم گیسور که گویا سابقاً در مرکز ده گیسور قرار داشته و فعلاً مخروبه است.

---

۱- کبیر: برکی *Bereki* یا مرز شاهی بر طبق اظهارات استاد محترم آقای بهرام فره‌وشی

۲- ایشان فرمودند (استاد فره‌وشی) گیسور = گای سور؛ جای سور؛ جای آتش و اگر گیسور با کاف باشد به معنی سورکی یا آتش شاهی است

۳- مقبره جغتین که در نزدیک قلعه قدیم گیسور واقع و مورد بحث این مقاله است.

۴- قبرستانی که فعلا در زیر شنهای روان مخفی است و بر طبق اظهار بعضی از ریش سفیدان مشهور به گورستان گبرها و قبور آن از سنگ و در نزدیک قله ای به نام پیش چنگ "Pich-Tchong" واقع می‌باشند.

### مقبره جغتین

بنابر اظهار بعضی از ریش سفیدان محل، جغتین (جغتای) پسر چنگیز خان مغول در جنگی زخم برداشته و در گیسور مرده و در این مقبره دفن شده است، جغتای دومین پسر چنگیز، پس از فوت پدرش وارث سرزمینهای واقع در شرق ماورالنهر و نقاط مجاور آن گردید.<sup>(۱)</sup> و بنابراین او در گیسور گناباد جنگی نکرده است که در آنجا کشته شود و به فرض اینکه دامنه حکومت او تا گناباد کشیده شده باشد دلیلی بر فوت او در گیسور در دسترس نیست.

در عین حال شایعه محلی راجع به صاحب مقبره می‌تواند تاریخ تقریبی بنا را که دوره مغول است تقویت کند.

به نظر نگارنده این بنا، در زمره مقابر مربوط به دروه مغول و احتمالا متعلق به یکی از شاهزادگان یا صاحب منصبان آن سلسله است، و این نظر پس از بررسی نقشه بنا، و شیوه ساختمانی و مصالح و تزئین آن توجیه و رابطه‌اش با بناهای قبل و بعد از آن بیان خواهد گردید.

۱- کلیفورد ادموند بوسورث، سلسله‌های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۴۶، صفحه



## الف) نقشه بنا

نقشه بنا در داخل مربع و در خارج هشت ضلعی و مشتمل بر قسمتهای مختلف به شرح زیر است:

- یک تالار مربع هر ضلع آن ۶/۷۸ متر.
- دیوار چهار جانب تالار به ضخامت یک متر که دیوارهای خارجی بنا بدان پیوسته است.
- چهار درگاه، در چهار ضلع هر یک به عرض ۱/۱۰ متر
- چهار ایوان در چهار ضلع خارجی هر یک به عمق ۲ متر
- چهار طاق نما در چهار گوشه بریده هر یک به عمق ۰/۵۰ متر
- چهار جفت جرز شش ضلعی غیر منتظم در طرفین ایوانها که طول هر ضلع بیرون آن ۰/۹۲ متر است.

## ب) شیوه بنا

این بنا در زمره مقابر برجی هشت ضلعی است که چگونگی جبهه خارجی آن از پایین به بالا به قرار زیر است:

- ۱- سکوی زیر بنا که فعلاً نیم متر از سطح اراضی اطراف خود بلندتر است، ولی رنگ متفاوت آجرهای طرفین ایوانها و همچنین برآمدگی کف درگاهها این احتمال را پیش می آورد که سکوی مزبور لااقل یک متر ارتفاع داشته و به تدریج کف ایوانها گود شده است.
- ۲- چهار ایوان در چهار ضلع اصلی به پهنای ۳ و عمق ۲ و بلندی تا تیزی قوس بیش از ۵ متر.

۳- چهار درگاه با پوشش معروف به کلیل به پهنای  $1/20$  متر و عمق یک متر و بلندی ۲ متر، در بالای هر یک از این درگاه‌ها یک دریچه به پهنای یک متر و عمق یک متر و بلندی یک متر و نیم با قوس جناغی\* تعبیه گردیده و در بین قوس درگاه و کف دریچه فاصله‌ای آجری وجود داشته که بر طبق اظهار بعضی از ریش سفیدان محل داخل آن خالی بوده است.

۴- چهار طاق نما به عمق ۵۰ سانتی متر، دهنه و ارتفاع مساوی با ایوانها در لبه دهنه ایوانها و طاق نماها نبش یا فرجه‌ای به دقت با دو حاشیه نامساوی تعبیه شده است به این معنی که پهنای حاشیه مجاور لبه ایوانها و طاق نماها ۱۴ و پهنای حاشیه دیگر ۷ سانتی متر است.

۵- چهار جفت جرز که پایه شش ضلعی غیر منتظم است و سطح خارجی آنها را در بدنه و زه<sup>(۱)</sup> بین آن دو تشکیل می‌دهد.

۶- سقف ایوانها و طاق نماها با طاقهای گهواره ای جناغی پوشیده شده است طرز پوشش، با روش معمولی این گونه سقف‌ها متفاوت است به این معنی که برای ایجاد سقفهای گهواره ای معمولی ابتداء در بالای دیوار انتهای ایوان یا انتهای مستطیل نیم صفحه مدوری به نام اسپر\*\* می‌سازند و آن‌گاه رجهای خشت با آجر را عموداً و به شکل نیم حلقه به آن تکیه می‌دهند و با تکرار رجها سقف را به اتمام می‌رسانند در حالی که در مقبره جغتین به چیدن افقی آجرها در دیوارهای طرفین ایوانها و طاق نماها ادامه داده و از حدود  $3/5$  متر ارتفاع آنها را به داخل متمایل، و در کلید قوس به هم متصل کرده‌اند. به عبارت دیگر نصف راست سقف از ادامه و

\*- قوس جناغی به شکل جناغ است و به آن قوس شکسته هم می‌گویند

۱- تیزی و فصل مشترک بین دو بدنه

\*\*- اسپر یا سپر، همان نیم صفحه مدور عمودی است که تکیه گاه رجهای خشت و آجر سقف گهواره‌ای می‌باشد.

انحنای دیوار طرف راست و نصف چپ آن از ادامه و انحنای دیوار سمت چپ ایوان یا طاق نما حاصل شده است، قوس سر پهن چهار درگاه و قوس جناغی چهار دریچه بالای آنها نیز به همین ترتیب ایجاد گردیده است.

۷- قسمت پایین گنبد معروف به گردنی یا ساقه گنبد که به صورت منشور مثنی القاعده منتظم و مرکب از هشت جرز مکعبی و طاق نماهای بین آنها به نظر می رسد چهار ضلع این منشور در روی چهار دیوار تالار مربع قرار گرفته است و بنابراین قطر آن چهار متر از قطر خارجی برج اصلی کمتر بوده<sup>(۱)</sup> و بر بام بنادر اطراف منشور کوچک یک مهتابی حلقوی به پهنای ۲ متر وجود داشته است گنبد و همچنین آجرهای بالای دیوارها و جرزه‌های منشور بزرگ و کوچک فرو ریخته و صورت اصلی آن به خوبی روشن نیست و دو پوشی یا یک پوشی بودن گنبد را نیز نمی توان به خوبی تشخیص داد

۸- چهار قوس که در بالای گوشوارها زده شده و در واقع به جای گوشوارها حمل قسمتی از بار گنبد بر فراز آنها قرار می گرفته است.<sup>(۲)</sup>

در داخل مقبره جغتین قسمتهای زیر به چشم می خورد:

اول: چهار دیوار آجری به ارتفاع ۴/۳۰ متر (۶۴ رج، آجر) که در هر یک از آنها یک درگاه و دریچه بالای آن جلب توجه می کند.

دوم: چهار طاق نما با قوس جناغی در بالای چهار دیوار.

سوم: چهار گوشوار نیم مخروطی (به اصطلاح محلی شاخ بزی) در بالای چهار گوشه و در زیر چهار قوس فوق الذکر این چهار طاق نما و گوشوار و چهار

۱- پس از وضع عمق ایوانها

۲- می توان برای تحول گوشوار دو دوره فائل شد، یکی هنگامی که عامل معماری به شمار می رفته و قسمتی از بار گنبد بر آن قرار داشته است دیگری هنگامی که یک عنصر تزئینی بوده و در حقیقت بر بار پایه گنبدی افزوده است.

گوشوار لچکی بین آنها که با گچ ترتیب یافته است، در روی پیش آمدگی یک رج آجر استوار گشته و بدین ترتیب منطقه تغییر حالت،<sup>(۱)</sup> از دیوارها مشخص شده است. از داخل سقف، چیزی که بتوان چگونگی وضع اصلی آن را روشن کند باقی نمانده است، به طوری که از بعضی رجهای آجر واقع در بالای طاق نماها برمی آید احتمالاً گنبد داخلی با حلقه‌های آجرفقی که هر حلقه بالا، نسبت به حلقه پایین خود قدری در فضای داخل پیش آمده بود، پوشیده شده است.

### ج: مصالح و تزیینات:

مصالح این مقبره ساده و عبارت از:

- ۱- آجر و نیم آجر، که در داخل و خارج آن بکار رفته است.
- ۲- گچ که در همه جای بنا، اکثر مخلوط با خاک به صورت ملاط و گاهی بندکشی بکار رفته است تزیین آجری جالب توجهی جز طاق نماها و ایوانها و نبش‌های منشور و ساقه و جرزها و طاق نماهای منشور پایه گنبد به چشم نمی خورد، ولی به طوری که ظاهر بنا حکایت می کند داخل گوشوارها و احتمالاً داخل گنبد گچ اندود بوده و اضافه بر آن در گوشوارهای منطقه تغییر حالت لوزیهای با گچ ترتیب داده شده است.

### از نظر نقشه:

به طوریکه یادآور شد، نقشه مقبره جفتین در خارج هشت ضلعی و در داخل

۱- مقصود تغییر حالت از مربع به مدور است منطقه تغییر حالت را، که بین مربع و مدور است ناحیه برزخ نیز می گویند؛ دونالدن؛ ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوه ایلخانیان، ترجمه دکتر

چهار ضلعی است؛ در دوره مغول نقشه های هشت ضلعی و چهار ضلعی زیاد بکار می رفته و نمونه های زیر از آن جمله است :

- ۱- مقبره امامزاده جعفر قم (۶۷۷-۶۷۹ هجری)<sup>(۱)</sup>
- ۲- مقبره سلطان محمد اولجاتیو در سلطانیه (۷۰۵-۷۱۳ هجری)<sup>(۲)</sup>
- ۳- مقبره زیارتی بجنورد (حدود ۷۰۰ هجری)<sup>(۳)</sup>
- ۴- مقبره امامزاده جعفر اصفهان (اوایل قرن هشتم)<sup>(۴)</sup>
- ۵- مقبره چلبی اوغلو در سلطانیه (۷۳۳ هجری)<sup>(۵)</sup>

از بین مقابر فوق الذکر امامزاده جعفر قم در داخل چهار ضلعی است و همانندی بیشتر با مقبره جغتین دارد، با این تفاوت که امامزاده جعفر با سه ایوان به خارج راه دارد و ایوان یک سمت آن بسته است در عین حال وقتی نقشه این دو بنا را در کنار هم بگذاریم آنها را بسیار نزدیک و همانند یکدیگر خواهیم یافت.

مقبره زیارتی بجنورد نیز شباهت فوق العاده ای به مقبره جغتین دارد زیرا:

- ۱- مانند مقبره جغتین در داخل مربع است.
- ۲- در چهار ضلع اصلی آن چهار ایوان وجود دارد.
- ۳- در چهار گوشه بیرون آن چهار طاق نما وجود دارد.
- ۴- در هفت گوشه بیرون آن چهار جفت جزر چند ضلعی غیر منتظم وجود دارد و حتی نبش ها از نظر نیفتاده است.

تفاوت مختصری که به چشم می خورد، عمق یکی از ایوانها در مقبره زیارتی

۱- دونالدن ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران، ۱۳۴۶، صفحه ۱۲۴.

۲- Godard *l'art dell'iran*, Paris, 1962, p.368, Fig240.

۳- دونالدن ویلبر، همان کتاب، صفحه ۱۴۲ -۴- دونالدن ویلبر، همان کتاب، صفحه ۱۷۳

۵- دونالدن ویلبر، همان کتاب، صفحه ۱۸۵

است که نسبت به سه ایوان دیگر بیشتر است.

### از نظر شیوه ساختمان و مصالح :

مقبره جغتین با وجودیکه گنبد و بعضی قوسهای آن فروریخته است، همانندی نزدیک آن با مقابر دیگر دوره مغول چون امامزاده جعفر قم و مقبره زیارتی بجنورد از نظر ایوانها و طاق نماها و جزرهای خارجی به خوبی نمایانست، و از لحاظ گوشوارها و قوسهای جناغی و گوشوارهای لچکی با اکثر بناهای آن دوره شباهت دارد. قسمتهای دیگری که در این بنا وجود دارد و در بعضی بناهای مربوط به مغول بکار رفته عبارت است از:

۱- قوسهای موسوم به کلیل که در طاق نماهای خارج مقبره سلطانیه دیده می شود.

۲- سقف گهواره ای جناغی ایوانها که در بعضی طاق نماها یا ایوانچه های مقبره سلطانیه دیده می شود و به طوریکه قبلاً یادآوری گردید روش متفاوتی با سایر سقفهای گهواره ای در آن رعایت شده است.

۳- طاق این مقبره نیز مانند طاق محراب مقبره بسطام، مورخ حدود ۷۰۰ هجری از روی یک قرنیز پیش آمده شروع شده است.

۴- چگونگی بکار رفتن آجر و گچ در این مقبره، در بناهای دوره مغول بسیار بکار بسته شده و حتی اندازه و طرز چیدن آجرهای آن نظیر اکثر بناهای دوره مغول می باشد. (۱)

## ه: رابطه بنا با بناهای قبل و بعد از آن:

مقبره جغتین گیسور مانند سایر بناهای نظیر خود در دوره مغول از روشهای قبل الهام یافته و به بناهای بعد الهام بخشیده است زیرا:

اول: در اساس نقشه این بنا مربع و به گونه دیگر چلیپایی است که بازوهای آن را چهار درگاه و ایوانهای جلو آنها تشکیل می‌دهد و این گونه نقشه از دوران باستان تا عصر حاضر در ایران معمول بوده و هست و در این مورد می‌توان به مثالهای زیر اشاره نمود.

۱- نقشه بازه هور؛ مربوط به اوایل دوره ساسانی و واقع در حاشیه راه مشهد به تربت حیدریه. (۱)

۲- نقشه تالار کاخ بیشاپور فارس مربوط به زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱ م). (۲)

۳- نقشه گور امیر یا مقبره امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ه) در سمرقند. (۳)

۴- نقشه تالار مربع مسجد جامع اردستان مربوط به دوره سلجوقی. (۴)

۵- نقشه آرامگاه امیر اسماعیل سامانی (۲۹۵-۲۷۹ ه) در بخارا. (۵)

۶- نقشه کاخ هشت بهشت مربوط به دوره صفوی در اصفهان. (۶)

۷- نقشه کاخ خورشید در کلات خراسان مربوط به زمان نادر شاه افشار

۱- A.U.Pope, *A survey of persian art*, London, 1937, V.1, P.ss. -۱

۲- Edith Porada *Iran ancien Paris*, 1963, P.194. -۲

۳- Idem.P.951 etp. 1152. -۳

۵- Idem . *A surey of persian art*, V.2, P\_ 948, aandc. -۵

۶- ترجمه سید محمد تقی مصطفوی، آثار ایران جلد دوم، جزوه اول، تهران، ۱۳۱۸، صفحه ۱۱۱

(۱). (۱۱۶۰-۱۱۴۸ هـ).

۸- نقشه بنای معروف به کلاه فرنگی یا مقبره کریم خان زند

(۲). (۱۱۹۳-۱۱۶۳ هـ).

۹- نقشه محوطه شبستان بزرگ جنوبی مسجد مدرسه عالی سپهسالار تهران

مربوط به آخر قرن ۱۳ هجری.

دوم: از طرف دیگر در سقف گنبدی این مقبره از گوشوار استفاده شده است گوشوار برای تسهیل تعبیه یک گنبد مدور در روی نقشه مربع تالارهای زمان ساسانی و احیاناً اشکانی به کار می‌رفته است، این عامل ساختمانی که مدت چهار قرن در معماری ساسانی متداول بود توسط معماران اسلامی تقلید گردیده و تحول پیدا کرده است در قرن دوم هجری این عامل ساختمانی در اطاق مربعی از بناهای رقه در شمال بین النهرین بکار رفت، ولی به چهار گوشوار یک منشور هشت ضلعی هم افزوده شد یک قرن بعد یعنی حدود سال ۳۰۰ هجری، از همین روش با تفصیل بیشتری در آرامگاه امیراسماعیل سامانی پیروی شد و در زمان سلجوقیان قسمتهای دیگری اضافه و منطقه تغییر حالت از مربع به دایره مشتمل به چهار قسمت گردید:

۱- چهار گوشوار در چهار گوشه و چهار طاق نما در روی چهار دیوار.

۲- یک هشت بر منتظم که در نتیجه قسمت اول به دست آمده بود.

۳- یک شانزده بر، در روی هشت بر.

۴- یک استوانه کوتاه در روی شانزده بر.

گنبدهای زمان سلجوقی از رفیع ترین گنبدهای یک پوشی در تاریخ معماری ایران می‌باشد و این رفعت احتیاج به منطقه تغییر حالت وسیعی که نقش اصلی آن به

۱- دکتر پرویز ورجاوند، مجله باستان شناسی و هنر ایران، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۴۸،

صفحه ۶۵

۲- سید محمد تقی مصطفوی، اقلیم پارس، تهران، ۱۳۴۳، صفحه ۵۸ و ۵۹



عهده گوشوار بوده داشته است، ولی به تدریج که گنبد‌های دو پوشی معمول گشت از تفصیل منطقه تغییر حالت کاسته شد، و شاید نیازی به چند ضلعی‌هایی که بر فراز یکدیگر ایجاد کردند نرفت و این معنی در منطقه و تغییر حالت مقبره جغتین گیسور گناباد و همچنین در بناهای دوره صفوی و بعد از آن دیده می‌شود.

به عبارت دیگر مقبره جغتین از نظر گنبد و عنصر اصلی تعبیه آن یعنی گوشوار با بناهای قبل و بعد از خود پیوستگی دارد.

سوم: در مقبره جغتین ایوانها؛ طاق نماها و قوسهای جناغی و کلیل به کار رفته است.

ایوان و طاق نما قبل از اسلام در ایران معمول بوده و مثال روشن این مورد طاق کسری و طاق نماهای طرفین آن است. قوس جناغی نیز بر مبنای معماری دوران ساسانی قرار داشته و در دوره اسلامی تحول یافته است.

قوسهای پشت‌نمای طاق کسری (۱)

قوسهای مقبره امیر اسماعیل سامانی (۲)

قوسهای مسجد جامع نائین (۳)

قوسهای مسجد جامع اصفهان مربوط به پیش از دوره مغول (۴)

قوسهای مسجد گوهر شاد مشهد (۵)

مسجد شاه اصفهان (۶)

و مسجد شاه تهران (۷) مربوط به بعد از دوره مغول دلیل این مدعا هستند.

۱- *A.V.pope perain architecture; London 1965. p. 83.*

۲- *A.V.pope, A survey of persian art, V.4, p. 1s2B.*

۳- *Idem . p. 26s , et V.2, p. 936.*

۴- *Idem . p. ? 291 et 299.*

۵- *Idem . p. 430.*

۶- *Idem . 468*

۷- نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران.

چهارم: در سقف گهواره‌ای ایوانهای مقبره جغتین روش مخصوص به کار رفته است به این معنی که در بالای دیوار انتهای آنها اسپر نساخته‌اند بلکه به وسیله چیدن افقی آجر در دريوارهای طرفین و انحنای آن سقف را ترتیب داده‌اند.

این روش در دوره ساسانی و سلجوقی نیز مورد توجه بوده است. نمونه دوره ساسانی طاق کسری است، در این طاق ابتدا از همین روش استفاده و با ادامه انحنای دیوارهای طرفین فضای ایوان مستطیل را سبک کرده و آنگاه گهواره معمولی را تعبیه کرده‌اند نمونه دوره سلجوقی ایوان شمالی مسجد جمعه اصفهان را می‌توان ذکر کرد که برای ایجاد سقف آن کلاً از همین روش پیروی کرده‌اند.

پنجم: مصالح عمده مقبره جغتین آجر و گچ است و این دو نوع مصالح در دوره ساسانی از جمله طاق کسری و کاخ دامغان مورد استفاده فراوان داشته و بعد از آن دوره نیز به کثرت در بناهای سراسر دوران اسلامی به کار رفته می‌رود.<sup>(۱)</sup>

ششم: مقبره جغتین در روی سکو ساخته شده است سکوی زیر بنا از دوران باستان در ایران معمول بوده و در دوران اسلامی به کار بردن آن ادامه یافته است و مثالهای زیر به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

تخت جمشید، مربوط به دوره هخامنشی.<sup>(۲)</sup>

قصر شیرین، مربوط به دوره ساسانی.<sup>(۳)</sup>

گنبد سرخ مراغه، مربوط به دوره سلجوقی.<sup>(۴)</sup>

گنبد غفاریه، مربوط به دوره مغول.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تهران، ۱۳۴۵، صفحه ۱۵۳ - ۱- دونالدن ویلبر، همان کتاب، صفحه ۵۱ و ۸۵

۲- Edith Porda, Iran ancien, Paris, 1963, P.142et 192.

۳- Edith Porda, Iran ancien, Paris, 1963, P.142et 192.

۴- A.Godard, Athar\_ eIran, T. Fas.1, p.127, Fig.85.

کاخ چهل ستون اصفهان، مربوط به دوره صفوی.

کاخ خورشید کلات نادری، مربوط به دوره افشاریه.

مقبره کریم خان، مربوط به دوره زندیه.

ایوان تخت مرمر کاخ گلستان تهران، منسوب به دوره زندیه و قاجاریه یقیناً با

توجه به همین شرایط و وجوه مشترک بوده است، دونالدن ویلبر می‌گوید:

«آثار ساختمانی دوره ایلخانان مرحله‌ای از تاریخ پیوسته معماری اسلامی ایران است و

اشکال فورمهای دوره های قبل و خصوصیات طرح و جزئیات را منعکس می‌کند.»<sup>(۱)</sup>

و راجع به مقبره زیارتی بجنورد شبیه‌ترین بنای دوره مقبره جغتین می‌افزاید:

«در حقیقت این ساختمان حلقه دیگری در تکامل این نقشه است که عبارت

است از تبدیل مقبره محصور دوره سلجوقی به مقبره کلاه فرنگی مانند دوره

صفوی.»<sup>(۲)</sup>

---

۱- دونالدن ویلبر، همان کتاب، صفحه ۳۳      ۲- ایضاً، دونالدن ویلبر، صفحه ۱۴۲



## قلعه دختر مزار بجستان گناباد

بجستان یکی از بخشهای شهرستان گناباد است. مرکز این بخش نیز بجستان نامیده می‌شود و در ۵۱ کیلومتری شمال غربی مرکز شهرستان قرار دارد.<sup>(۱)</sup> قدمت بجستان به همان قدمت گناباد است و احتمالاً به دوره هخامنشی می‌رسد.

این شهر در گذشته به عنوان بوزستان، بزستان، بزستان نیز نامیده شده و به موجب نظر بعضی از مورخین توسط سام نریمان قهرمان افسانه‌ای ایران ساخته شده است.<sup>(۲)</sup>

۱- طبق سرشماری مهرماه ۱۳۶۵ شهر بجستان دارای ۱۸۶۰ خانوار با ۷۵۴۱ نفر جمعیت می‌باشد. حسین پور ابراهیم، همان کتاب، ضمیمه.

۲- ... سیستان، خود گفتیم که گرشاسب کرد و از پیش کردن سیستان خود بست و رخد و زمین داور و کابل و سواد آن او را بود که جد او کرده بود از سوی مادر و گودرز نام دارد و اکنون این شهر به دیوان بغداد و خلفا از جانب سیستان برآید و مال آن بر سیستان جمع است و سفزار و بوزستان و لوالستان و نمر سام نریمان کرد...

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

درباه وجه تسمیه فعلی بجستان عده‌ای تصور می‌کنند که این کلمه در اصل (باجستان) بوده یعنی از توابع خود باج می‌گرفته و یا محل گرفتن باج بوده است<sup>(۱)</sup> بعضی نیز معتقدند که این شهر در ابتدا؛ بجستان یا بگستان محل خدایان سابق بوده و معبد بزرگی داشته و بعد از «تعریب» بجستان به بجستان تغییر یافته است.<sup>(۲)</sup> بجستان در قرون اولیه اسلامی مانند گناباد زمانی ضمیمه قهستان<sup>(۳)</sup> مدتی ضمیمه نیشابور و هنگامی از توابع هرات<sup>(۴)</sup>(۵) شمرده می‌شد و در دوره تیموری مسجد جامع دویوانی آن ایجاد گردیده است<sup>(۶)</sup> در سه کتاب مربوط به قرون اولیه اسلامی نام این شهر صراحتاً (بجستان) ذکر شده است:

### معجم البلدان<sup>(۷)</sup>

«بجستان به کسراوله و ثانیه و سکون السین المهمله و تاء فوقها نقطتان و الف و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تاریخ سیستان، تالیف در حدود ۴۴۵ - ۷۲۵ به تصحیح ملک الشعرا بهار به همت محمد رمضان صاحب موسسه خاور، تهران ۱۳۱۴ شمسی، صفحه ۲۴ و ذیل آن.

۱- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۷۲ و ۱۷۳

۲- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۷۲ و ۱۷۳

۳- لسترنج، همان کتاب، صفحه ۱۳۳۷

۴- یاقوت الحموی، معجم البلدان، المجلد الاول، بیروت، ۱۳۷۴ هجری، ۱۹۵۵ م، صفحه ۳۴

۵- جغرافیای حافظ ابرو، به کوشش مایل هروی، قسمت ربع خراسان انتشارات بنیاد فرهنگ ایران تهران ۱۳۴۶، صفحه ۳۶ و ۲۸

۶- نوشته روی سنگ ایوان جنوبی مسجد مذکور که توسط آقای حسن خبازی استخراج شده به این قرار است: در ایام دولت پادشاه اسلام پناه شاهرخ خلدالله مملکت عمارت مسجد جامع کرد پهلوان حمد بن فخرالدین سیف الدین مقدم بزشتانی در ماه محرم سنه ثمان عشرین و ثمانیه مائه

۷- یاقوت الحموی، معجم البلدان، المجلد الاول، بیروت، ۱۳۷۴ هجری، ۱۹۵۵ م، صفحه ۳۴.

نون : من قرى نيسابور؛ منها ابوقاسم موفق بن محمد بن احمد البجستاني المبداني  
«....»

### جغرافیای حافظ ابرو<sup>(۱)</sup>

«بجستان ناحیتی مختصر است، سه قریه و بیست مزرعه دارد.»

### جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی<sup>(۲)</sup>

«در سی میلی شمال گناباد و سی میلی شمال تون شهر چه بجستان است که  
گویا یاقوت نخستین نویسنده‌ای است که آنرا اسم برده و گوید دهکده‌ای است.  
حمداله مستوفی درباره آن فقط گوید به تون شباهت دارد.»

مزار قریه‌ای است که در شش کیلو متری جنوب غربی بجستان واقع است و  
حدود چهار صد نفر جمعیت دارد.<sup>(۳)</sup> این قریه به موجب تصور اهل محل نام خود را  
از قبری که منسوب به آصف برخیا وزیر حضرت سلیمان می‌باشد گرفته است.<sup>(۴)</sup>  
ولی این وجه تسمیه صحیح به نظر نمی‌رسد و چیزی شبیه قبر مادر سلیمان در  
پازارگاد است.

نگارنده تصور می‌کند کلمه آصف از القاب خواجه قوام الدین نظام الملک  
(مشرف دیوان) خراسان در دوره تیموری که بنا به حکایت روضان‌الجنت سد  
نزدیک قریه مزبور با کفایت او انجام گردیده، گرفته شده است.

«و از مستبدعات ایام دولت پادشاه اسلام پناه بند (سلومد) است که در آن  
ولایت بمیامن کفایت و رایت این آصف جم صفات جهت وقف بقاع خیرات حضرت

۱- جغرافیای حافظ ابرو، به کوشش مایل هروی، قسمت ریع خراسان انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

تهران ۱۳۴۶، صفحه ۳۶ و ۲۸

۲- لسترنج، همان کتاب، صفحه ۱۳۳۷

۳- جمعیت این روستا بر طبق سر شماری سال ۱۳۶۵ - ۱۰۶۲ نفر می‌باشد، حسین پورابراهیم،  
همان کتاب، ضmannم .

۴- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۸۰

سلطانی احداث یافته. (۱)

### قلعه دختر:

این قلعه نیز مانند قلعه دختر شوراب گناباد و سایر قلاع دختر ایران نام خود را از ناهید الهه آب برکت و زیبایی اخذ نموده است. این قلعه بز فراز قله‌ای منفرد و رفیع واقع در پنج کیلومتری جنوب غربی مزار ساخته شده است و توضیح درباره آن در سه قسمت به شرح زیر بیان می‌گردد.

موقعیت و طرح تقریبی

مصالح

زمان تاسیس و دلایل تاریخی

### موقعیت و طرح تقریبی:

قله‌ای که قلعه بر فراز آن ساخته شده محدود است:

۱- معین‌الدین محمد زمخجی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تصحیح و حواشی و تعلیقات سیدمحمدکاظم امام، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۹۹ و ۲۰۰ (۸۹۷ - ۸۹۹ هجری) در پاورقی صفحه نوشته شده «۶ سلومد: این دهکده در سده چهارم آباد بوده» و در حدود العالم، المسالک و الممالک نام آنرا سلومد و در صورالاقالیم، ابو زید بلخی و تاریخ سیستان (سلامت) نوشته‌اند... و باغ «سلومد» مشهور به مزار می‌باشد. خود محل آب ندارد. قبرستانی است قدیمی باغات انگور بسیار دارد...، بنابراین قریه مزار سلومد یکی دانسته شد و چون خواجه قوام‌الدین (آصف جم صفات) در آن علائق مملکی یا نسبت به آن عنایتی داشته احتمالاً مزار و مزرعه مزبور به نام او معروف شده است.



از مشرق به تنگل بهاباد.

از شمال به تپه‌های زلزله زده. (۱)

از مغرب به تک بند باغ. (۲)

از جنوب به تک زرنگستان. (۳)

این قله صعب العبور در بالا صورت پروانه‌ای رو به شمال و در واقع دارای

چهار قسمت متمایز است:

بال راست یا قسمت شمال شرقی.

بال چپ یا قسمت شمال غربی.

دم، یا قسمت جنوبی.

تنه یا قسمت مرکزی.

### قسمت شمال شرقی:

این قسمت و قسمت شمال غربی که حدود سی متر پایین تر از قسمت مرکزی

می‌باشد به صورت ذوزنقه متساوی الساقین است که در محور ارتفاع با فرجه ۶۰

درجه شکسته و دو سطح شیب‌دار متقابل به وجود آمده است آثار این قسمت

عبارت است از:

۱- دیوار مدخل که به گواهی بقایای موجود پایه از لبه تنگل بهاباد تا پایه

قسمت مرکزی ممتد بوده و ضخامت آن بیش از یک متر و ارتفاع بعضی از نقاط آن

۱- به موجب گفته بعضی از اهالی محل از این تپه‌ها که سه تا آن مرتفع است هنگام حدوث زلزله

در نقاط نزدیک گرد و خاک بر خاسته می‌شود

۲- بند باغ یعنی سدی که در تک غربی قله دخت برای باغ سلومد و یا باغ متعلق سلومد گردیده است

۳- شاید عده‌ای از مردم سیستان در آنجا بوده‌اند زیرا لشکر سیستان در ۵۹۰ به قهستان آمده و با

ملاحظه رزم داده‌اند، ایضاً تاریخ سیستان

حدود یک متر است در وسط این دیوار آثار پایه یک برج نیم‌گرد به نظر می‌رسد که از سمت غرب آن، و احتمالاً از دو سمت آن وارد می‌شده‌اند. عرض این مدخل بیش از یک متر و نسبتاً تنگ به نظر می‌رسد قبل از این مدخل راه نسبتاً سهل‌الورودی موجود بوده که به موجب اظهار راهنمای محلی «کش قاطر رو» نامیده می‌شده و ابتدای آن در کنار تنگل بهاباد واقع در شرق قله تا دیوار مدخل حدود یک کیلومتر فاصله داشته است. این مدخل از قسمت شمال به قسمت شمال غربی ممتد بوده و بالاخره بوسیله یک دروازه فراخ‌تر، از گوشه شمال غربی به قسمت مرکزی و مرتفع راه می‌داده است.

۲- قطعات ساختمانی با ابعاد مختلف (۳×۲، ۳/۵×۲/۵، ۴×۳ و غیره) که شیب این قسمت ساخته شده و در محل، سنگر گفته می‌شود.

مجموع این سنگرهای سنگی فعلاً به صورت سطح وسیع سنگلاخی به چشم می‌خورد و ارتفاع اکثر آنها به ندرت از یک متر تجاوز می‌کند.

۳- آب انبار که در بین دو قسمت مذکور شمال شرقی و شمال غربی ساخته شده است این آب انبار مربع که عمق فعلی آن نسبت به بعضی نقاط باقیمانده دیوار، دو متر است با سنگ و ساروج به اندازه ۹/۳۰×۹/۳۰ متر ساخته شده است و دیوار قسمتی از آن را سنگ طبیعی قله تشکیل می‌دهد. احتمالاً آب باران سطح قله پس از پر شدن آب انبار به پرتگاه خطرناکی که در شمال آن واقع می‌باشد سرازیر می‌گردیده است.

### قسمت شمال غربی:

این قسمت از قسمت شمال شرقی مرتفع‌تر و در وضعی است که صعود به قسمت مرکزی قله را تسهیل می‌کرده است، سطح این قسمت مانند قسمت شمال شرقی با ده‌ها سنگر پوشیده شده است. و مطلب تازه‌ای که در آن به نظر می‌رسد

وجود سنگرها یا قطعات ساختمانی است، که دیوار آنها را سنگ طبیعی قلّه تشکیل می‌داده است، به این معنی که در هر دیواره‌های سنگی وجود داشته با گذاردن قطعات مناسب سنگ در طرفین و یا سایر جاهای خالی یک مستطیل تشکیل داده‌اند.

### قسمت جنوبی:

در سطح این قسمت که به صورت بیضی باریک و فعلاً شیب‌دار و پشت ماهی است، بقایای مختصر ساختمانی چون پستی و بلندیاها به چشم می‌خورد و احتمالاً قطعاتی با مصالح کم‌دوام ساخته شده، و یا اصولاً فاقد ساختمان قابل ملاحظه‌ای بوده است.

### قسمت مرکزی:

این قسمت به منزله قلب قلعه و دارای مساحتی در حدود  $30 \times 50$  متر می‌باشد و شامل مهمترین ساختمانهای قلعه بوده است، و این ساختمانها با توجه به آثار موجود از خارج به داخل مشتمل بر سه حلقه است، به نحوی که، دیوارهای هر حلقه خارج از دیوارهای حلقه در داخل خود پایین‌تر می‌باشد.

### حلقه خارجی:

وضع این حلقه در سمت غرب تقریباً روشن و عبارت است از:

۱- دیوار غربی که با برجهای مدور تقویت شده بوده و فعلاً بالای آن و برجهای تقویت کننده آن فرو ریخته، و بلندترین نقطه باقیمانده آن  $8/20$  متر ارتفاع دارد. ضخامت این دیوار که در شمال، به ضلع غربی دروازه فراخ منتهی می‌شود و در جنوب، پس از طی چند متر به سمت شرق می‌پیچد  $2/10$  متر است. دو نیم برج

تقریباً روشن این دیوار هر یک به فاصله ۲۴ متر از دیگری قرار گرفته و شعاع داخلی هر یک ۲/۷۵ و ضخامت دیوار آن ۲/۱۰ متر است، در سطح این دیوار علاوه بر نیم‌برجها روزنه‌های مستطیل تعبیه گردیده که احتمالاً به عنوان پنجره و محل دیده‌بانی و یا انداختن تیر از آنها استفاده می‌شده است.

در پشت این دیوار قطعات که خرابه و پراز سنگ و خاک است و گاهی مشخص و در بعضی نقاط نامشخص و تا دو ضلع شمالی و جنوبی ممتد است.  
۲- دیوار شمالی که مانند دیوار غربی با برج تقویت گردیده و فعلاً شامل آثار ذیل است:

یک دروازه چهار متری که درست در جنب گوشه شمال غربی واقع و حد فاصل بین قسمت شمال غربی و قسمت مرکزی قلعه می‌باشد، و ضخامت پایه غربی آن ۲/۵ متر است.

یک برج مدور که پیرامون آن حدود ۳۲ متر و ارتفاع فعلی آن حدود ۵ متر است.

یک دیوار به همین ارتفاع بین برج و دروازه مذکور.

مطلب جالب توجهی که در این دیوار به چشم می‌خورد وجود قطعات چوب قهوه‌ای تیره در داخل دیوار سنگی است، این قطعات احتمالاً برای استخوان بندی و اتصال قطعات سنگ کار گذارده شده و یا به احتمال ضعیف به عنوان چوب بست مورد استفاده بوده است. در پشت این دیوار که ضخامت آن با دیوار سمت غرب برابر به نظر می‌رسد، قطعات ساختمانی از جمله یک طاق یا آب انبار به اندازه هر ضلع هشت متر است.

۳- دیوار شرقی که به علت شیب تند قلّه فرو ریخته و قطعات ساختمانی آن مشخص نیست ولی جا و بیجا در آن سمت پایه های سنگی دیده می‌شود، و احتمال می‌رود که در جلو یا عقب آنها اطاقهایی وجود داشته است.

**حلقه وسطی :**

این حلقه ساختمانی که عرض آن حدود ۸ متر است بین حلقه خارجی و بناهای مرکزی قرار گرفته و وضع آن به خصوص در سمت مشرق به علت سقوط قلعه مبهم و فعلاً به صورت یک محوطه شیب دار است شاید از این حلقه به عنوان حیاط بین بناهای مرکزی، و حلقه خارجی استفاده می شده و شامل قطعات ساختمانی بوده است.

**حلقه و یا قسمت مرکزی :**

در این قسمت قطعات زیر از شمال به جنوب قابل تشخیص است:  
یک تالار احتمالاً صلیب شکل که طول بازوی شمالی آن  $3/5$  و عرض دهانه آن باز و ۴ متر است ولی وضع بازوهای سه سمت دیگر به خوبی روشن نیست در جلو دهانه این باز و دیوار طرفین آن بدو یک سکو و بعداً محلی به عمق یک متر با دیوار سنگی دیده می شود و رویهم رفته انسان رابه یاد حوضخانه ها و یا سربینه حمامهای بعضی دهات گناباد می اندازد.

یک قطعه چهار گوش، به ضلع هشت متر که دیوارها و داخل آن به هم ریخته است و شاید در سالهای اخیر مورد جستجو و یا درآوردن آجر قرار گرفته است.  
یک راهرو شرقی - غربی که عرض آن  $1/40$  متر و ضخامت دیوارهایش  $0/75$  متر است و به قطعات طرفین خود از جمله قطعات چهار گوش فوق الذکر راه می داده است.

یک تالار مستطیل به عرض ۸ و طول حدود ۱۶ متر که در جنوب راهرو فوق الذکر واقع است و ارتفاع دیوار جنوبی آن در سمت خارج دو متر است، وسعت این تالار نسبتاً زیاد به نظر می رسد، و شاید یکی از حیاط های فرعی بوده است،

ضخامت دیوارهای محیط بر این تالار یک متر است و در گوشه جنوب غربی آن یک برج به شعاع ۱/۵ متر به چشم می خورد و احتمال می دهد که در سه گوشه دیگر نیز برجهایی وجود داشته است داخل این برج پر است، و شاید اصولاً به عنوان یک جرز تقویتی ساخته شده و یا در بالا خالی و محل نگهداری بوده است.

اضافه بر قسمتهای مذکور آثار دو نوع تاسیسات دیگر در اطراف قلعه دختر دیده می شود:

اول: حفره ها یا به اصطلاح زانمای محلی، سنگ آبهایی که در شیب غرب قلعه برای ذخیره آب یا مخفی شدن نگهداری در سنگ حفر و یا انتخاب شده بوده است.

دوم: یک خندق که کمر قلعه، و در سمت شمال غرب ایجاد گردیده و فعلاً مانند یک مسیل با شیب تند به نظر می رسد.

### مصالح:

مصالح عمده آثار باقیمانده قلعه را قطعات سنگ نامنظم تشکیل می دهد که با ملاط گچ مخلوط با خاک و یا ساروج کار گذارده شده است، در انتهای دیوارهای فرو ریخته به آسانی وجود گچ قابل تشخیص است، ولی در سطح عمودی دیواره، ملاط سقف چون ساروج به نظر می رسد، و احتمال می رود، در ملاط اصلی، گچ، و در بند کشی ساروج بکار رفته است. البته در اندود، آب انبار بزرگ بین دو بال شمالی استعمال ساروج مسلم و قطعات باقیمانده آن مانند سنگ مرمر، سفت است. غیر از مصالح یاد شده یعنی سنگ و گچ و ساروج و قطعات چوب که فوقاً اشاره شد، تعداد زیادی قطعات آجر مختلف در قلعه مشاهده می گردد این آجرها به ابعاد زیر است:

آجر خاکی رنگ به اندازه های ۳۰×۳۰×۵ سانتی متر.

آجر خاکی تیره به اندازه های  $۲۰ \times ۲۰ \times ۴$  سانتی متر.

آجر خاکی نزدیک به صورتی به اندازه های  $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$  سانتی متر.

آجر قرمز به اندازه های  $۳۵ \times ۳۵ \times ۵$  سانتی متر.

- و احتمال می رود که قوسها و سقف قطعات ساختمانی آجر به کار می رفته است: این احتمال را وسعت مساحت اطاقها افزایش می دهد زیرا پوشش تالارهای  $۸ \times ۸$  متر با سنگ به آسانی میسر نیست.

در اینجا می باید یاد آور شد که در حال حاضر، هیچ گونه سقفی از قطعات ساختمانی قلعه مشهود نیست: و ابعاد آن قطعات با توجه به پایه ها و آثار موجود بر آورد گردیده است و مادامی که کاوشهای دقیق علمی در قلعه صورت نگیرد وضعیت اصلی آن به خوبی قابل تشخیص نخواهد بود.

### زمان تاسیس و دلایل تاریخی:

قلعه دختر مزار بجستان گناباد، مانند قلعه دختر شوراب گناباد، و قلعه فرود

گناباد، یک بنای قبل از اسلام و مربوط به دوره ساسانی به نظر می رسد زیرا:

۱- مانند سایر قلاع دختر دوره ساسانی بر فراز یک قلعه منفرد و رفیع و در کنار یکی از راههای داخل فلات و قسمتهای شرقی ایران باستان قرار دارد. در این مورد می باید توضیح داد که اضافه بر معبر اصلی مرکز گناباد که نگارنده در مورد دیگر یاد آوری شده یک معبر نیز در طریق تون و بجستان و محولات وجود داشته و احتمالاً همان معبری است که اکنون بجستان را به فردوس مربوط می کند و از چند کیلومتری شرق قلعه می گذرد راه دیگری نیز از حدود شمالی قلعه ولی با فاصله بیشتر به نام

«راه عراق» عبور می‌کرده است.<sup>(۱)</sup>

۲- مانند سایر بناها و قلاع دختر دوره ساسانی دارای تالارهای مربع و مستطیل راهروها: آب‌انبارها و دريوارهای تقویت شده با برجهای مدور است.

۳- مانند بناهای دوره ساسانی مصالح عمده آن را قطعات سنگ آجر، گچ و ساروج تشکیل می‌دهد. در مورد استعمال قطعات چوب، می‌باید یادآور شد که این روش برای اتصال یا استحکام دیواربناهای قرون اولیه اسلامی از جمله تاریخانه دامغان منسوب به قرن دوم هجری معمول بوده.<sup>(۲)</sup>

ولی معماران دوره ساسانی نیز آن را در بناها، از جمله کاخ تیسفون به کار برده‌اند.<sup>(۳)</sup>

۴- آجرهای موجود در سطح قلعه اغلب از نظر ابعاد و رنگ با آجرهای دوره ساسانی قابل مقایسه است، و چنانچه در قوسها و سقفها به کار رفته باشد نیز یادآور طرز کار در بناهای دوره ساسانی از جمله کاخ سروستان<sup>(۴)</sup> می‌باشد.

۵- سفالهای ساده و لعابدار سطح قلعه، با نقوش حکاکی شده مهر شده برجسته و منقوش یادآور سفالهای قرون اول تا هفتم هجری است.<sup>\*</sup> و نشان می‌دهد که قلعه تا قرن هفتم هجری قابل سکونت بوده است، ولی می‌باید متذکر بود

۱- ابن حوقل، *صوره الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵، جدول مقابل صفحه ۱۴۰.

۲- *A. Godard, Gazete des beaux arts, T.12, Paris. 1934, PP.228\_231.*

۳- *H. saladin, manueled, art musulman, paris, 1907, p.30.*

۴- *A. U. pope, A survey of persin art london, 1938, p.148.*

\*- روش سفالسازی دوره ساسانی مانند سایر رشته‌های هنری، در دوران اسلامی تعقیب شده و به همین جهت تشخیص سفالهای دوره مزبور و قرون اولیه اسلامی به خصوص سفالهای ساده و دارای لعاب ترک خورده قابل تأمل است.



که در قرون اول هجری، گناباد و بجستان مانند اکثر نقاط ایران، در معرض دسیسه‌ها و نابسامانی‌های دربار خلافت اموی و عباسی و بعداً در جریان رقابتها و عمر نسبتاً کوتاه سلسله‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان و غزنویان بوده و به عبارت دیگر مجال و قدرت ایجاد این طور بنای عظیم واقع در انتهای این گونه قله رفیع را نداشته است، البته در دوره سلجوقی مقتضیات و شرایط ایجاد این نوع قلعه‌ها به وجود آمده و مورد توجه پیروان حسن صباح قرار گرفته بود، ولی این فرقه غالباً قلعه‌های سابق را متصرف می‌شدند.<sup>(۱)</sup> البته ایجاد بعضی قلاع چون قلعه مؤمن آباد قاینات، به آن فرقه نسبت داده شده است.<sup>(۲)</sup> ولی به علت وجود قطعات سفال مربوط به قبل از حادثه اسماعیلیه، احداث قلعه دختر مزار بجستان گناباد، در دوره سلجوقی منتفی است.

به نظر می‌رسد که این قلعه در دوره ساسانی و یا قبل از آن ساخته شده و در دست امیران محلی بوده و در قرون اولیه اسلامی نیز به همان ترتیب مورد استفاده قرار داشته است، و هنگامیکه در تصرف پیروان حسن صباح بوده، به فرمان خوانین غوری و مغول ویران شده است.<sup>(۳)(۴)</sup> احتمالاً سنگ‌های متعدد قلعه توسط اسماعیلیه بنا شده است زیرا، برخلاف قسمت مرکزی، قطعات سنگ دیوارهای این سنگرها بدون ملاط و بدون دقت لازم کار گذارده شده است.

اسماعیلیه، از اواسط قرن پنجم تا اواسط قرن هفتم، در قهستان کم و بیش دارای قدرت و صاحب استحکامات آن خطه از جمله گناباد و بجستان بوده و گاه و بیگاه مورد حمله فرمانروایان وقت قرار می‌گرفته‌اند. یکی از آن حملات بنا به

۱- غیاث‌الدین همادالدین الحسینی، تاریخ حبیب‌السیر، (۹۲۷-۹۳۰ هجری) جلد دوم، انتشارات

کتابخانه خيام، ۱۳۳۲ شمسی، صفحه ۴۶۵ و ۴۶۶.

۲- شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، صفحه ۲۷

۳- حاج شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، صفحه ۱۰۰

۴- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۸۰.

حکایت کتاب بهارستان در سال ۶۲۴ هجری به این ترتیب صورت گرفته است:  
 «امرای جلال‌الدین غوری را در ولایت گنجه به قتل رسانیدند و این کار خیلی،  
 بر جلال‌الدین گران آمد پس سوار شد و با لشکر خود روی به بلاد اسماعیلیه نهاد و  
 از حدود الموت تاگرد کوه خراسان را خراب کرد و شوکت ملاحظه را در هم  
 شکست...»<sup>(۱)</sup>

به احتمال قوی، گرد کوه خراسان با قلعه دختر مزار بجستان در رابطه است،  
 زیرا نام دیگر آن قلعه گرد کوه است.<sup>(۲)</sup> و علت آن نام وجود قلعه مخروطی مقابل و  
 نزدیک قلعه در سمت شرقی تنگل بهاباد می‌باشد، که بر طبق اظهار راهنمای محلی  
 در آن سمت آثار سنگرهایی وجود دارد.\*

حمله دیگر در زمان هلاکو خان مغول و مربوط به این خبر است:

«... هلاکو خان از آنجا منزل به منزل می‌آمد چون به حدود زاوه و خواف  
 رسید، اندک عارضه طاری شد و «کوکا ایلکا» و «کیتوبوقانیان» را با دیگر امرانامزد  
 فتح باقی ولایت ایشان فرمود، چون به حدود قهستان رسیدند رنود، اندک مقاومتی  
 نمودند لکن در یک هفته زمان جمله را به گرفتند و دیوارها بینداختند و کشتن و  
 غارت کرده اسیران بردند.»<sup>(۳)</sup>

این خبر را وجود محلی به نام «لو، رود حربگاه»\*\* که بین قریه مزار و قلعه  
 دختر است و هم چنین وجود قبرستان وسیع مجاور قریه مزار تأیید می‌کند، مساحت  
 این قبرستان نزدیک به ۴۰۰×۴۰۰ متر می‌رسد و قبرهای متعدد و طویل (بعضی به

۱- حاج شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، صفحه ۱۰۰

۲- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۸۰.

\*- این سنگرها احتمالاً هم عصر با سنگرهای قلعه دختر است

۳- رشید فضل‌الله. جامع‌التواریخ (۷۰۴ هجری) به کوشش دکتر بهمن کریمی، چاپ دوم، تهران

\*\* - جنگ‌گاه لب رود

طول ۴/۵ متر) دارد، که با جمعیت ۴۰۰ نفری فعلی آن قریه متناسب نیست، و اگر با وضع مخصوص و طول بیش از حد قبور خود متعلق به قبل از اسلام نباشد، احتمالاً برای دفن کسانی که در نتیجه کشتار وحشتناک بین مغول و اسماعیلیه در گذشته‌اند به وجود آمده است.

### نتیجه

- ۱- قلعه دختر مزار بجستان گناباد در دوره ساسانی یا قبل از آن ساخته شده، قسمت شمالی آن محل سکونت سپاهیان، قسمت جنوبی آن محل خدمتگزاران معمولی، مرکز آن مقر حاکم، و معبد قلعه بوده است.
- ۲- قلعه نامبرده در قرون اولیه اسلامی (۱ تا ۵ هجری) به همان ترتیب سابق کم و بیش مورد استفاده بوده است.
- ۳- در اواخر قرن پنجم هجری به تصرف پیروان حسن صباح در آمده و در قرن هفتم توسط غوریان و مغولان ویران شده است.



# ۷

## مزار سلطان محمد عابد (ع) کاخک گناباد

نمونه‌ای از نفوذ معماری قبل از اسلام در بناهای اسلامی

کاخک در ۲۴ کیلومتری جنوب گناباد واقع است، این قصبه از نقاط بیلاقی و خوش آب و هوای گناباد، و محل تفریح روزهای تعطیل مردم آن شهرستان می‌باشد. کاخک در دامنه کوهستانی به همین نام قرار دارد، و قبل از زلزله نهم شهریور ماه ۱۳۴۷ حدود پنج هزار نفر جمعیت داشت.<sup>(۱)\*</sup> ولی در نتیجه حادثه مزبور به کلی ویران و تقریباً نصف جمعیت آن فوت گردیده، و باقیمانده ساکنین آن، در بناهای تازه سازی که در غرب قصبه ایجاد شده اسکان یافته‌اند.

وجه تسمیه این قصبه به خوبی روشن نیست، بعضی می‌گویند به علت درختان فراوان خود کاخک (کاخ کوچک) نامیده شده و این کلمه به تدریج در تلفظ

---

۱- در فرهنگ آبادیهای کشور مرکز آمار ایران بهمن ماه ۱۳۴۷ صفحه ۳۶ آمار کاخک ۴۳۰۵ نفر می‌باشد.

\*- حسین پو ابراهیم، همان کتاب، ضمیمه، جمعیت کاخک شامل ۱۱۶۰ خانوار و ۴۸۸۴ نفر جمعیت می‌باشد.

محلی به کاخک تبدیل گردیده است.<sup>(۱)</sup>

نگارنده تصور می‌کند این قصبه خوش آب و هوا مانند قریه کلات گناباد<sup>(۲)</sup> از آبادیهای قبل از اسلام گناباد است و شاهزادگانی که در قلعه فرود گناباد ساکن بوده‌اند گاهی به این قصبه می‌آمده‌اند به‌خصوص که در چند کیلومتری غرب آن، خرابه‌هایی به نام «سپیددژ» یا، دژ سفید به چشم می‌خورد.

قصبه کاخک علاوه بر جنبه بیلاقی و هوای مطبوع خود به علت مدفن حضرت سلطان محمد عابد<sup>(۳)</sup> برادر حضرت رضا<sup>(۴)</sup> مورد توجه ساکنین شهرستان گناباد و شهرهای مجاور بوده و هست.

بر طبق بعضی نوشته‌ها، سلطان محمد عابد با برادرش زید، و جمعی دیگر علیه خلیفه عباسی قیام کرد ولی مغلوب و اسیر و در (مرو) محبوس گردید، و پس از ورود حضرت رضا<sup>(۴)</sup> به مرو و ولایتعهدی آن حضرت آزاد شد.<sup>(۳)</sup>

بعد از شهادت حضرت رضا<sup>(۴)</sup> این امامزاده و برادرش زید مردم را به گرفتن انتقام دعوت کردند، و در نتیجه مورد آزار مامورین مأمون قرار گرفتند. این دو برادر نخست در طرق مشهد، و سپس در کاشمر با مامورین مأمون مبارزه کردند، و بالاخره به طرف کوههای گناباد رفتند. مامورین مأمون عباسی آنان را تعقیب کردند، و در یکی از برآمدگیهای شمالی کوهستان واقع در شرق قصبه کاخک سلطان محمد عابد<sup>(۴)</sup> را شهید کردند.<sup>(۴)</sup>

۱- سلطان حسین تابنده، همان کتاب، صفحه ۱۳۹.

۲- قریه کلات در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی گناباد واقع است.

۳- شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، صفحه ۵۶ و ۶۲.

۴- شیخ محمد حسین آیتی، همان کتاب، صفحه ۵۶ و ۶۲.

## تاریخ مقبره

می‌گویند این بنا، توسط امیر عبدالله تونی در اواخر دوره سلجوقی در روی یک سکو، ساخته شده و در دورهای تیموری و صفوی مورد تعمیر قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup>

بر طبق نوشته صفحه ۶۴ «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران» این مقبره در سال ۹۶۰ هجری و زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی ساخته شده<sup>(۲)</sup> و کتیبه جلوی ایوان شمالی آن که با کاشی معرق و به خط علی رضا عباسی است، نیو، نام شاه اسماعیل صفوی را در بر دارد:

قدّم بامر السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مالک ملوک العرب و العجم مجدّد قواعد  
الائمة المعصومین علیهم السلام، السلطان بن السلطان ابوالمظفر، سلطان شاه اسماعیل بهادر خان  
خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه بسعی العبد و المحتاج الی رحمته العلی  
علی بن عبدالواحد الحسینی القانی فی سنه ثمانین و تسعماء.<sup>(۳)</sup>

ولی ممکن است به قول گدار فرانسوی، در این جا نیز تعمیر کننده خود را تمام کننده بنا به حساب آورده، و به عبارت دیگر موسس آن نبوده است.<sup>(۴)</sup>

این مقبره در حادثه زلزله نهم شهریور ۱۳۴۷ به طوری صدمه دید که عده‌ای معتقد به تجدید بنای آن بودند، ولی مرحوم حاج آقا حسین ملک، یکی از معماران تهران به نام حاج ابوالقاسم جابری را مامور تعمیر آن نمود و او این کار مشکل را با

۱- سلطان حسین تابنده همان کتاب، صفحه ۱۴۱ و ۱۴۷ و ۱۴۸.

۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

ایران، ۱۳۴۵، صفحه ۶۴. ۳- سلطان حسین تابنده همان کتاب، صفحه ۱۴۸.

۴- آندره گدار، آثار ایران، محمد تقی مصطفوی، جلد دوم ۱۳۱۸- صفحه ۸۶.

مصالح لازم به پایان رسانید.<sup>(۱)</sup> و نگارنده که در تابستان ۱۳۵۱ برای زیارت به کاخک رفته آن را به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

### الف) نقشه مقبره:

اصولاً نقشه این مقبره مقابر قرون اولیه اسلامی و نظایر آن را در قبل از اسلام به خاطر می آورد و عبارتست از:

۱- یک تالار مربع به ضلع  $۸/۵$  متر، که در وسط هر ضلع آن درگاهی به پهنای  $۱/۶۵$  و عمق  $۱/۵$  متر وجود دارد.

۲- دو تالار مستطیل در شرق و غرب تالار، از طرف خارج به طول ۲۴ و عرض  $۷/۲۵$  متر هر کدام از این تالارها مرکب از چهار قسمت می باشد و مشخصات تالار شرقی از جنوب به شمال به این ترتیب است:  
قسمت اول  $۴/۷۵ \times ۶$  متر.

قسمت دوم  $۴/۴۸ \times ۶$  متر. بین این دو قسمت یک درگاه به پهنای  $۳/۲۰$  متر و دو جرز طرفین آن به ضخامت ۶۰ سانتی متر وجود دارد.

قسمت سوم  $۴ \times ۶$  متر بین این قسمت و قسمت دوم و همچنین قسمت چهارم یک درگاه به پهنای  $۳ \times ۲۰$  متر و ضخامت ۸۰ سانتی متر وجود دارد.  
قسمت چهارم  $۴/۴۰ \times ۶$  متر.

۳- یک ایوان در وسط جبهه شمالی به پهنای ۵ و عمق  $۲/۷۵$  متر.

۴- دو ایوان چه در طرفین جبهه شمالی هریک به پهنای  $۳/۱۰$  متر و عمق ۸۵

سانتی متر.



۵- یک ایوان در جنوب تالار مربع به پهنای  $3/75$  و عمق  $1/5$  متر.

۶- دو ایوان چه در طرفین ایوان مزبور، هر یک به پهنای  $2/25$  و عمق  $1/25$

متر.

۷- یک فضای بدون سقف به دهنه  $11/40$  متر در جلو ایوان و دو ایوان چه

مزبور.

۸- پلکان که در غرب ایوان شمالی واقع است.

روی هم رفته بنا، به یک مستطیل تقریباً به طول  $26$  و عرض  $24$  متر قرار دارد

و فضای باز نیز، چون یک ایوان بزرگ، در جنوب تالار مربع واقع است.

### ب) فرم مقبره:

این بنا، از خارج چون یک مکعب مستطیل به نظر می‌رسد، که ارتفاع آن از (اره) پایین تالبه دیوار  $95$  رج آجر، مجموعاً حدود شش متر است.

در بالای این مکعب مستطیل، گنبدی پیازی شکل دو پوشی بنا جلوه خاصی دارد این گنبد در روی یک ساقه استوانی به ارتفاع  $3/5$  متر قرار دارد، و این ساقه را یک منشور هشت ضلعی به ارتفاع یک متر تحمل می‌کند. در این بنا خطوط افقی و عمودی و منحنی به هم آمیخته و در عین عظمت آرامش و تعادل را القاء می‌کند؛<sup>(۱)</sup> سقف قطعات تشکیل دهنده دو تالار مستطیل و سقف گهواره‌ای جناغی ایوانها و ایوانچه‌های شمال و جنوب، تنوعی نسبت به گنبد بزرگ محسوب می‌گردد و اضافه بر آن چهار پنجره در چهار طرف گنبد با یک متر دهنه و یک متر ضخامت دیوار

۱- خطوط عمودی افقی و منحنی هر کدام نوعی احساس در بیننده می‌انگیزد، خط عمودی نظر را به بالا میکشاند و خطوط افقی آرامش مینماید و خطوط مورب محرک است و اتصالها، مطبوع میباشد، به جلد اول تاریخ هنرهای مصور، تألیف علی نقی وزیری، تهران ۱۳۳۷ صفحه ۱۰ مراجعه شود.

خود ساقه گنبد را از یک نواختی در می آورد.

در داخل تالار مربع که مدفن امامزاده می باشد این تفصیلات به چشم می خورد:

۱- چهار دیوار که در وسط هر یک درگاهی به پهنای  $۱/۶۵$  و ارتفاع  $۲/۲۵$  متر وجود دارد و این درگاهها دارای طاق مسطح است.

۲- چهار گوشوار و چهار طاق نما در بالای این چهار دیوار در بالای این قسمت یک حلقه منشوری به ارتفاع چهل سانتی متر، هشت ضلع آن را به خوبی مشخص می کند.

۳- هشت گوشوار و هشت گوشوار لچکی کوچک که منشور دیگری در بالای قسمت مزبور نشان می دهد.

۴- سقف عرق چینی بالای منطقه تغییر حالت که با تزیینات اجرا شده و شانزده ترک به نظر می رسد، این ترکها از یک شبه قدح که در زیر کلید طاق واقع است شعاع می گیرد.

در داخل هر یک از تالارهای مستطیل چهار درگاه هر یک به پهنای  $۳/۲۰$  و ارتفاع چهار متر دیده می شود، قوسهای این درگاهها در روی هشت جزر به شکل مکعب مستطیل قرار گرفته که پهنای قاعده آنها مختلف ولی درازای هر یک در حدود  $۱/۴۰$  متر و ارتفاع آن تا پایه قوس دو متر است.

سقف دو ایوان و ایوانچه ها را قوسها و گهواره های جناغی تشکیل می دهد و این نوع قوس در مدخل تالارهای مستطیل طرفین تالار مربع نیز دیده می شود.

### ج) مصالح و تزیینات مقبره:

مصالح عمده بنا را آجر و گچ و ساروج تشکیل می داده و در تعمیر اخیر آن

سیمان نیز به کار رفته است، تالارهای مستطیل طرفین تالار مربع فعلاً دارای اندودی از گچ سفید است، ولی با توجه به قطعاتی از شیشه که در ابتدای مدخل شرقی تالار مربع مشاهده گردید، احتمالاً در آینده دو تالار مزبور مانند تالار مربع، شیشه کاری خواهد شد.

تزئینات عمده جالب توجه بنا اختصاص به داخل گنبد تالار مربع دارد، که به شرح ذیل بیان می‌گردد:

اول: دیوارها که با کاشیهای شش بر به ضلع پنج سانتی مترو کاشیهای مستطیل به ابعاد ۹×۱۷ و مربعات و نیم کثیرالاضلاعها و هم چنین شیشه های مثلثی و چهار گوش و مستطیل و چند بر، مزین گردیده است.

دوم: منطقه تغییر حالت از مربع به کثیرالاضلاع و دایره، که اضافه بر گوشوارها\* و طاق نماها که خود جنبه تزئینی دارد، با شیشه کاری مزین شده است از جمله این تزئینات شیشه‌ای، یک حاشیه چهار سانتی متری در بالای قسمت اول منطقه تغییر حالت است، که با آینه صورت گرفته و یک منشور کوتاه هشت وجهی را نشان می‌دهد، هر ضلع از این منشور با شش آینه و هشت قطعه شیشه درست شده است. در بالای این منشور هشت طاق نما و هشت شبه طاق نما جلب توجه می‌کند. هشت طاق نما با شیشه های گلدار سیاه و قهوه‌ای و هشت شبه طاق نما با شش ضلعی و لوزیها و لچکی‌ها مزین گردیده است.

سوم: زیر سقف داخلی، که چون یک عرق چین ۱۶ ترکی به نظر می‌رسد و این ترکها با یک نوار تزئینی مشخص، و همه از یک شبه قدح شیشه‌ای گلدار که زیر کلید طاق قرار دارد شعاع می‌گیرد. جلوه و درخشندگی این سقف و دیوارهای مزین آن با قندیلها و چهل چراغهای آویزان یک منظره روحانی و اعجاب انگیز به وجود

\* - گوشوار یا طاق روی گوشه، برای تسهیل ایجاد یک گنبد مدور در روی پلان مربع به کار می‌رود و

منطقه بین پلان مربع و گنبد مدور را منطقه تغییر حالت می‌نامند.

می آورد. در وسط تالار مربع ضریح سلطان محمد عابد<sup>(۱)</sup> صندوق زیبای قبر را در بر گرفته است. پهناي ضریح ۳/۳۸ طولش ۳/۵۶ و ارتفاعش تا تیزی شیروانی، ۲/۷۲ متر می باشد، و از پایین به بالا با یک ازاره سطح مشبک و یک کتیبه برنزی، مزین گردیده است.

تزیینات گنبد تالار مربع، شامل دو قسمت است. اول ساقه آن که با یک حلقه کتیبه مزین گردیده است در این کتیبه سوره (دهه) از قرآن مجید با خط ثلث به رنگ سفید و خط کوفی به رنگ فیروزه ای نوشته شده است. دوم گنبد پیازی شکل، که با کاشیهای خوشرنگ پوشیده و اشکال لوزی و غیره القاء گردیده است.

#### د) رابطه مقبره با بناهای قبل و بعد از خود:

شیوه ساختمانی این بنا با بناهای دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی و هم چنین بعد از دوره سلجوقی نزدیک است زیرا:

پلان تالار اصلی آن، مربع و دارای چهار درگاه در چهار ضلع است، این نوع پلان در چهار طاق نیزار<sup>(۱)</sup> و تالار کاخ بیشاپور<sup>(۲)</sup> مربوط به دوره ساسانی مقبره شاه اسماعیل سامانی منسوب به اواخر قرن سوم هجری در بخارا<sup>(۳)</sup> تالار مربع مسجد جامع اصفهان<sup>(۴)</sup> مقبره جغتین گیسور گناباد مربوط به دوره مغول.

- تالار جنوبی مسجد شاه اصفهان مربوط به زمان شاه عباس وجود دارد.

۱ و ۲ - آرثور اوپ هام پوپ، معماری ایرانی، ترجمه غلام حسین صدیقی افشار و احمد ایرانی، تهران ۱۳۴۶، صفحه ۶۲ و ۷۳.

۳ - *A survey of Persian Art, by A.V. Pope, V.II, London, 1939, P.947a*

۴ - *Idem. A survey of Persian Art, P.954, Fig.328, No190.*

- ایوان بزرگ و کوچک، از دوره های قبل از اسلام در ایران معمول بوده و می توان در این مورد به کاخ آشور، مربوط به دوره اشکانی<sup>(۱)</sup> کاخ سروسن<sup>(۲)</sup> مربوط به دوره ساسانی مسجد زواره مربوط به دوره سلجوقی<sup>(۳)</sup> مسجد ورامین مربوط به دوره مغول<sup>(۴)</sup> و مدرسه چهار باغ اصفهان مربوط به دوره صفوی<sup>(۵)</sup> اشاره نمود.

تالارهای مستطیل، که برای تسهیل ایجاد سقف، در طول به چند قسمت شده، از قدیم در ایران معمول بوده و می توان تالار ایوان کرخه مربوط به دوره ساسانی<sup>(۶)</sup>، ایوان جنوبی مسجد جامع گناباد مورخ ۶۰۹ هجری، و نمازخانه مسجد جامع یزد مربوط به دوره مغول را یادآور شد.

ایجاد ایوان در جلو تالار مربع یک شیوه قبل از اسلام در معماری ایران است، که در دوران اسلامی ادامه یافته است. مثالهای بارز این مورد قلعه دختر فیروزآباد و کاخ دامغان هر دو مربوط به دوره ساسانی، و مسجد جامع اردبیل<sup>(۷)</sup> منسوب به دوره سلجوقی می باشد. به خصوص وقتی در فضای باز سمت جنوب مقبره کاخک، دقت کنیم آن را چون ایوان بزرگی خواهیم یافت که از یک طرف، با تالارهای مستطیل طرفین خود، قسمت عمومی کاخ سروسن ساسانی، و از طرف دیگر ایوان تالار

۱- آرثور اوپ هام پوپ، همان کتاب، صفحه ۴۸ و ۶۲

۲- آرثور اوپ هام پوپ، همان کتاب، صفحه ۴۸ و ۶۲

۳- اندره گدار، هنر ایران، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، صفحه ۴۱۷ و ۴۱۹ نمره ۲۲۶

۴- دونالدن ویلبر، همان کتاب، صفحه ۱۷۰ و ۱۷۱

۵- اندره گدار، هنر ایران، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، صفحه ۴۱۷ و ۴۱۹ نمره ۲۲۶

۶- ایضاً، هنر ایران، صفحه ۳۱۵.

۷- ایضاً، هنر ایران صفحه ۲۵۴. نمره ۱۷۶ و ۱۷۷ صفحه ۲۵۸ نمره ۱۸۰ صفحه ۳۷۵ نمره ۲۰۸

جنوبی مسجد سپهسالار تهران را به خاطر می آورد.

ایجاد گنبد در روی تالار مربع یک روش باستانی است، که معمولا با کمک چهار گوشوار صورت می گیرد و مثالهای فراوانی در قبل از اسلام و دوران اسلامی دارد.

نمونه این نوع گنبد را در کاخ فیروزآباد مربوط به دوره ساسانی، مقبره شاه اسماعیل سامانی منسوب به اواخر قرن سوم هجری و تالار مربع مسجد شیخ لطف الله اصفهان، مربوط به زمان شاه عباس مشاهده می کنیم، گنبدهای دویوشی نیز در ایران معمول بوده و گو اینکه مثال روشنی از قبل از اسلام در دسترس نیست ولی گنبد مقبره سلطان سنجر در مرو، گنبد ایوان بزرگ مسجد گوهرشاد مشهد مورخ ۸۲۱ هجری،<sup>(۱)</sup> از نمونه های برجسته دوران اسلامی است. گنبد پیازی شکل این مقبره که احتمالا به مرور زمان و در نتیجه حوادث مورد صدمه و تعمیر قرار گرفته است، به گنبدهای دویوشی دوره صفوی از جمله گنبد مسجد شاه اصفهان<sup>(۲)</sup> نزدیک است.

ایجاد بنا در روی سکو از قدیم الایام در معماری ایران مورد توجه بوده است و از مثالهای روشن این مورد تخت جمشید مربوط به دوره هخامنشی (۳۳۰-۵۵۹ ق.م)<sup>(۳)</sup>، قصر شیرین مربوط به دوره ساسانی<sup>(۴)</sup> (۵۶۱-۲۲۴ میلادی)، کاخ چهل ستون اصفهان مربوط به دوره صفوی<sup>(۵)</sup>، کاخ خورشید کلات خراسان

۱- *A.V.Pope, A survey of Persian Art, V.IV, P. 430.*

۲- *Idem. A survey of Persian Art, p.456*

۳- *Idem . p. 818.*

۴- *Edith Porada, Iran ancien, Paris 1963, p.192, Fig.102.*

۵- *Idem . A survey of Persian Art, p.477 a.*

مربوط به زمان نادر شاه افشار<sup>(۱)</sup> و مقبره کریمخان زند<sup>(۲)</sup> در شیراز می باشد.

- 
- ۱- مجله باستانشناسی و هنر ایران، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۴۸، دیداری از کلات نادر و آثار تاریخی آن، بررسی و نوشته دکتر پرویز ورجاوند، صفحه ۶۳.
- ۲- سید محمد تقی مصطفوی، همان کتاب، صفحه ۲۴۰.







## مسجد جامع گناباد

نمونه بارز تأثیر هنر معماری ساسانی در هنر اسلامی

همانطور که اشاره شد، چون اصل متن در دسترس نبود، این قسمت از کتاب تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی نوشته محقق انتخاب گردیده، لازم به توضیح است که این کتاب در سال ۱۳۵۵، در اداره کل فرهنگ و هنر به کوشش جناب آقای مسعود گلزاری به چاپ رسیده است.

در جهت آشنایی خوانندگان با این کتاب، چند سطر از فصل اول انتخاب

گردیده:

«در نیمه اول قرن هفتم میلادی، ایران یکی از بزرگترین حوادث تاریخی خود، حمله

عرب را تحمل نموده و در سایه آن، مذهب و خطش تغییر کرد.

این حادثه، تاریخ عمومی ایران را به دو دوره باستانی و اسلامی تقسیم کرده و در طرفین آن

دو عالم، ساسانی و اسلامی قرار داده است.

عالم ساسانی ستهای هنری کهن را که طی قرون و اعصار از هر منشاء و هر منطقه در ایران

پایه گرفته بود، اخذ و حل و هضم نمود و تالیفی؛ ماهرانه به نام هنر ساسانی به عمل آورد. عالم

اسلام، هنر ساسانی را چون میراثی گرانبها پذیرفت و به عبارت دیگر تحت تاثیر آن قرار گرفت و این موضوعی است که به عنوان «تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی» بیان می‌گردد...  
(عباس زمانی - تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر، آبانماه ۱۳۴۵، صفحه ۵)

### مسجد جامع:

مسجد جامع گناباد از نظر پلان در عداد بناهای دو ایوانی و عبارت است از:  
یک حیاط به طول ۶۶ و عرض ۴۴ متر.  
دو مدخل نزدیک به شمال شرقی و جنوب شرقی بنا.  
دو رشته رواق در شرق و غرب حیاط.  
دو شبستان ستوندار در شمال شرقی و جنوب شرقی بنا.  
دو ایوان در قبله (جنوب و سمت مقابل آن).  
این مسجد علیرغم زمین لرزه‌های شدید و تحمل تعمیرات مکرر شکل و همچنین تاریخ بنای اصلی خود (۶۰۹ هجری) را حفظ کرده و از مساجد دو ایوانی دیگر خراسان (مسجد فریومد و مسجد زوزن) سالم‌تر مانده است. زلزله اخیر گناباد (شهریور ماه ۱۳۴۷) به بنای این مسجد صدمه زده است، ولی بازهم قیافه اصلی و تزیینات ابتدایی آن باقی می‌باشد و هنوز یکی از بناهای مشخص و مورخ اواخر دوره خوارزمشاهیان به شمار می‌رود.  
مسجد جامع گناباد مانند سایر مساجد دو ایوانی، از نظر پلان و فرم و مصالح و تزیینات، بناهای دوره ساسانی را به خاطر می‌آورد:

## الف) از نظر پلان:

اول اینکه، حیاط مستطیل و دو ایوان جنوبی و شمالی این مسجد، اولی به عرض ۹ و عمق ۱۸ متر و دومی به عرض ۶/۵ و عمق ۱۱ متر، نسخه دومی از حیاط و ایوانهای قسمت اختصاصی کاخ فیروز آباد به نظر می‌رسد، دوم اینکه، دورشته رواق شرقی و غربی مسجد، اولی در دوردیف و دومی در یک ردیف و روی هم به صورت پانزده ایوان، برحیاط عمود است به طوریکه در تاریخانه دامغان\* یادآوری شد، اینگونه رواقها منشاء ساسانی دارد و از ایوانهای آن دوره الهام گرفته است. سوم اینکه، شبستان جنوب شرقی، به ضلع ۱۰ متر و دارای چهار ستون، قابل مقایسه با تالار مربع کاخ دامغان<sup>(۱)</sup> است.

چهارم اینکه، شبستان شمال شرقی، به طول ۱۷ و عرض ۱۱/۵ متر، با ایوانها و تالارهای ستوندار دوره ساسانی، چون ایوان کاخ دامغان و سایر تالارهای ستوندار قبل از اسلام، قابل مقایسه است.

## ب) از نظر فرم:

قوسهای رواقها، جرزها و ستونها، سقفهای گهواره‌ای و گنبدی، عناصری است که معمولا در بناهای ساسانی به کار رفته و مکرر از آن صحبت شده است. ولی مطلب جالب توجه‌تر، مربوط به پوشش ایوانهای مسجد است، که پوشش تالار مستطیل ایوان کرخه، مربوط به زمان سلطنت شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹) میلادی را به خاطر می‌آورد. سقف ایوان جنوبی این مسجد، عبارت از چهار گهواره

\*- رجوع کنید به کتاب تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، دکتر عباس زمانی.

۱- A.U. Pope, *A survey of Persian Art*, T.1.1938, P.579. fig.16.

عرضی است که به کمک پنج قوس عرضی تعبیه شده است، تالار مستطیل ایوان کرخه مرکب از پنج گهواره عرضی است که به کمک قوسهای عرضی تعبیه شده است. تفاوتی که وجود دارد، در فرم سقف است، به این معنی که قوسها و گهواره‌های عرضی ایوان کرخه هلالی و از ایوان مسجد جامع جناغی است. در ایوان کوچک مسجد نیز چهار عنصر معمول در دوره ساسانی به کار رفته است:

اول، سقف مرکب از سه قوس و سه گهواره عرضی، مانند ایوان کرخه، است. دوم، نیم گنبد انتهایی آن با کمک گوشوار، عنصر معروف و معمول عهد ساسانی، صورت گرفته است.

سوم، طاق‌نماهای روی هم قرار گرفته دو دیوار طرفین آن صرفنظر از خود ایوان که یک عنصر دوره ساسانی است، مانند طاق‌نماهای طرفین طاق کسری به نظر می‌رسد.

چهارم، درگاه انتهایی آن و درگاههای انتها و پهلوی هردو ایوان حیاط قسمت اختصاصی کاخ فیروزآباد را به خاطر می‌آورد.

### ج) از نظر تزیینات:

صرف نظر از طاق‌نماها و نغولهای آجری و نیم ستونها عناصر تزیینی ذیل جالب توجه و قابل مقایسه با تزیینات بناهای دوره ساسانی است:

۱- دو قطار پیچ، در طرفین قوس ایوان جنوبی و از روی دو مخروط وارونه آغاز و در کلید آن به هم می‌پیوندد. پیچ تزیینی در دوره هخامنشی و ساسانی و حتی قبل از آن معمول بوده است و می‌توان در این مورد به یک آتشدان دوره ساسانی که

دارای دو پایه پیچ‌دار است، اشاره نمود. (۱)

۲- در نبش قوس ایوان جنوبی یک نوار گل و بوته، یا به طور بهتر، اسلیمی در روی گچ صورت گرفته است. این اسلیمی عبارت از برگهای سه قسمتی است که در خم آنها، پالمتهای پنج قسمتی قرار دارد. این نوع پالمتهای در پلاکهای گچی به دست آمده از کاخ بیشاپور و کاخ دامغان و کاخ تیسفون به فراوانی به کار رفته است.

۳- محراب ایوان جنوبی با مقرنسها و حاشیه‌های گلدار و هندسی استوکی یعنی همان روش و همان نقوش معمول دوره ساسانی مزین شده است.

۴- در پایه سقف جناغی مدخل شمال شرقی یک حاشیه گچی به عرض ۲۵ سانتیمتر در بین دو قیطان گچی در سرتاسر دو دیوار جنبی و بالای آن قرار دارد.

در نگاه اول تعدادی نقوش بیضی به چشم می‌خورد که به طور وارونه تکرار شده است، ولی پس از دقت بیشتر، پرندگان و گیاهانی جلب توجه می‌کنند. پرندگان باریک اندام و دارای دم بلند و شبیه دارکوب می‌باشند، و به طور متقارن روبرو و یا پشت به پشت هم قرار گرفته‌اند. ساقه گیاهان در قیطان بالا و سربرگ آنها در قیطان پایین قرار گرفته و هفت برگ کوچک در هر طرف وجود دارد، به نحوی که پای پرندگان، در روی برگ چهارم و متقار آنها در روی برگ دوم قرار دارد. در مرکز بیضی یک نقش گلابی در بین چهار جفت برگ کوچک و بزرگ قرار دارد و از سر آن دو شاخه به طور متقارن به طرفین جستن می‌کند. از ته بیضی نیز دو شاخه که هریک پنج جفت برگ کوچک دارد جستن می‌کند.

در حالتی که دو پرنده پشت به پشت قرار گرفته‌اند، ستاره هفت پری وجود دارد که در مرکز آن یک گل هفت پر جاداده شده است. از بالای ستاره دو شاخه جستن می‌کند که پس از دوبرگ کوچک هریک دو قسمت می‌شود، و یکی از آن دو

قسمت به شکل پیچ (*Volute*) درمی آید. درهریک از دیوارهای جنبی هفت جفت و در بالای در دوازده جفت پرنده نقش شده است و در بالای حاشیه سردر نیز چند نقش وجود دارد.

اول، دو پرنده پشت به پشت که در داخل یک چهارگوش و طرفین یک پالمت قرار دارند و سرخود را به عقب برگردانده‌اند.

دوم، یک دایره که در بالای پالمت مذکور قرار دارد و حاوی اسلیمیهای متقارن است.

سوم، دو نقش کاجی که در طرفین نقوش بالا قرار گرفته و برگهایی شبیه برگهای یاد شده دارد.

کلیه نقوش این مدخل: پرندگان متقارن روبه‌رو یا پشت‌به‌پشت، نقوش گلابی یا کاجی، پالمتها و دوایر تزئینی و اسلیمیاها در موضوعات تزئینی دوره ساسانی وجود دارد.

---

## خاتمه

سخن را با بیتی زیبا از سلطان غزل حافظ شروع و با بیتی دل‌انگیز از اقبال به  
پایان می‌بریم.

امید که مورد قبول افتد، انشاءالله.

گمان مبر که به پایان رسیده کار مغان

هزار باده ناخورده در رگ تاک است

والسلام. ناصر زمانی

زمستان ۱۳۷۱





نشر مرندیز منتشر کرده است:

جغرافیای گناباد

نویسنده حسین پوراابراهیم

منتشر می شود:

جغرافیای تاریخی گناباد

نویسنده: سید حسین مجتبوی دلوی